

تایف
دکتر اسرار احمد

حقوق قرآن پر مسلمانان کا

۲۳۱ کے ماڈل مشافہ
لامؤدہ پابجستان

مرکزی انجمن خدام القرآن لاہور

حقوق قرآن بر مسلمانان



تالیف: داکٹر اسرار احمد
ترجمہ: داکٹر محمد بشیر حسین



مرکزی انجمن خدام القرآن لاہور

۳۶ - کے ماڈل ٹاؤن - لاہور پاکستان - تلفن - ۸۵۶۶۱۱

پاراؤل

محرم الحرام ۱۴۰۵ھ مطابق اکتوبر ۱۹۸۴ء

تعداد ۳۳۰۰

چاپ مکتبہ جدیدہ شارع فاطمہ جناح لاہور

ناشر ناظم مکتبہ مرکزی انجمن خدام القرآن - لاہور

ھر کس بہ نشر و چاپ ایں کتابچہ مجاز است

مقام اشاعت

۳۶ کے ماڈل ٹاؤن - لاہور پاکستان

(تلفن ۸۵۳۲۱۱)

کراچی آیدریس

۱۱ داؤد منزل (منزل اول) نزد آرام باغ

شاہراہ بیاتت کراچی ۱۱

تلفن ۲۱۴۷۰۹

پیش گفتار

جزوه ایکه بدینوسیله تقویم میگردد تکمیل سلسله سخنرانیهای است که در ژانویه ۱۹۶۸ در دو جمعه متواری در مسجد جامع خضرای سمن آباد لاهور و بعد هاد همین ماه در یک مسجد جامع قصور و سپس در فوریه ۱۹۶۸ در دانشکده اجمل باغ، صادق آباد دیرستان تعمیر ملت سکھر و دانشکده دولتی جهنگ ایراد کردم.

سخن اینهای مزبور بعد از مجله ماهانه میتاق شماره سه و ژوئن ۱۹۶۸ منتشر گردید. منظور اینست که مسلمانان دعوت گردند تا قرآن مجید روی آورند و آنرا قرائت و درک نمایند و نسبت به اجرای احکام آن کوشش نمایند چنانچه پس از مطالعه این جزوه گرایش بیشتری از سابق در دل خود احساس کردید و شوق و رغبتی بیشتر در وجودتان نسبت باقرآن پدیدار گردید است. عا داد در حق نویسنده و امنیت و سلامت مسلمانان و پایداری اسلام در درگاه خداوند متعال دعا کنند.

دعا جو - اسرار احمد

له یک دعای مسنونہ:

اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ
وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ



برہر مسلمان

پنج حقوق و فرائض شرح عنادین
ذیل توفیق و استعطش واجب است

- ۱ : ایمان و تعظیم (صفحہ ۸)
- ۲ : تلاوت و ترتیل (۱۴)
- ۳ : تذکر و تدبیر (۲۰)
- ۴ : حکم و اقامت (۳۱)
- ۵ : تبلیغ و تبیین (۴۴)

خداوند متعال ہر مسلمان ایں چین توفیق عنایت فرماید

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوذُ
 بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي
 وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاجْعَلْ عِقْدِيَ مِنْ لِسَانِي لِقْفَهُمْ وَأَنْوِي !

برادران مسلمان !

بطوریکه مستحضر هستید این روزها در کشور ما دولت و مردم "ساگره هزار و چهار ساله"
 نزول قرآن را جشن میگیرند. درین خصوص دو مطلب را باید در نظر داشت :

اول اینکه این قبیل جشن با بامزاج دین مبین مباح مناسب نیست. نذر برای اظهار
 احساسات دارد و خود نسبت به دین ما باید به برگزاری جشنهای اهتمام کنیم که پیغمبر
 اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آنها را گرامی داشته اند و در شمار سنن مبارکند
 میباشد. اگر ما از طرف خود چیزی بر آن بیافزاییم راهی برای بدعت باز نموده ایم که
 نهایتاً باعث انحراف از دین حنیف خواهد شد. ما باید فرامین مبارک آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و سلم را همواره در نظر داشته باشیم :

وَسُرَّ الْأُمُورَ مَحْدَثَاتِهَا	در دین از همه بدتر کارهای است که کسی
وَكُلَّ مَحْدَثٍ بَدْعَةٌ	از طرف خود اختراع کند. در دین هر کار
وَكُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ	نوین بدعت است و بدعت ضلالت

و گرامی است.

برای جلسات فعلی بکار بردن کلمه "جشن" نیز اهمیت خاصی دارد. وقتی
 صحبت از جشن میشود فکر آدم خواهد نخواست. بطرف مراسمی منعطف میکرد که از خیر تا

کراچی با سبهای مختلفی برگزار میشود و این جشنها مراسمی را نشان میدهند که علناً بر عکس
 تعلیمات قرآن مجید است. چنین بنظر میرسد که جشنهای این چنین تعلق بکسانی
 دارد که الحاد پرست بوجه طرفدار اشتراکیت میدباشند از طرفی جشن نزول قرآن کو یا شروه
 است که میخواهند بخدمت مدین اسلام دوست بدهند. واللہ اعلم
 ثانیاً باید توجه کرد که اگر منظور از تشکیل این قبیل جشن های نزول قرآن تجدید محکم روابط
 بین مسلمانان باشد باز هم شاید تا حدی درست باشد ولی بطوریکه میدانید
 از این جشنهای هرگز چنین نتیجه ای بدست نمی آید. نمایش گاه های که برای نشان دادن نمونه
 های خطی و ترجمینی از نسخ های قرآن و مسابقه های حسن قرائت بجای تعلیم احکامات
 قرآن صورت میگردد هیچ سودی نمی تواند داشته باشد. گنگره های و جلساتی که بنام
 قرآن تشکیل می یابد در آنجا نیز بیشتر به مقام و مرتبه و شان قرآن توجه میکنند و کمتر به احکام
 و فرامین توجه میشود چون هدف از نزول قرآن آنست که مسلمانان بان عمل نمایند
 و قرآن از ما چه میخواهد. آنچه مربوط به مقام و مرتبه قرآن است حقیقت آنست که
 ما بر کرمی توانیم حق کی از بزرگتر از این مخصوص ادا کنیم و پاسگزارشایسته بهمت
 بیکران حق باشیم چه برسد به درگسری آن:

گره بر موئی زبانی باشدت !! شکر کی نعمت گوئی از هزار

مرتبه و مقام حقیقی قرآن حکیم را یا آن شاه ارض و سماوات دانند که کلام اوست
 و یا قدر ویش را آن سرور کونین دانند که بر او این کلام نازل شده است محمد مصطفی کصی اللہ
 علیه و آله و سلم:

له قدر و منزلت و مرتبه و مقام قرآن از فهم انسانی آنقدر بالاتر است که برگردانمیشود آن
 را با همه مفاهیمش درک کرد البته در قرآن پاک نیز بایک مثال بر این موضوع اشاره شده
 است:

لَوْ اَنْزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّرَاٰیئَهُ خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ

تدرک و بر شاه داند یا بداند جوهری

و طیفه اصلی و اساسی ما اینست که با کمال جدیت و خلوص اول کوشش کنیم تا بدانیم که این کتاب مقدس چه دینی بگروین ما دارد و باز ببینیم که آیا ما آنها را ادا میکنیم یا نه اگر جواب ما مثبت نیست باید فکر کرد که چگونه ممکن است ما آنها را ادا کنیم و سپس بدون اتلاف وقت سرگرم عمل باشیم چون اینکار مستقیماً مربوط به عاقبت و نجات اخروی ماست و درین باب باید دانست که تنها قرأت قرآن حکیم نمی تواند تعصیرات ما را جبران کند چنانکه در سخنرانی امروز درباره این امور مفصل تر سخن خواهیم گفت !!

(تفسیر پادشاهی)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبَ هَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (عشر ۵۹: ۳۱)

اگر می فرستایم این قرآن را بر کوهی بر آئینه میدیدی آنرا سراسر آکنده و از هم پاشیده از آتش خدا - این مثل را برای مردم می زنیم تا شاید اندیشه کنند

پنج حقوق قرآن مجید بر مسلمان

اگر از اصطلاحات دینی صرف نظر کنیم در زبان ساده سخن گوئیم قرآن مجید از هر مسلمان

حقوق بشرح ذیل خواستار است :

اول اینکه قرآن را با جان و دل قبول کند

دوم اینکه آنرا بخواند

سوم اینکه در گوشش کند، آنرا بفهمد

چهارم اینکه احکام آن را بکار بندد

پنجم اینکه (مطالب) آنرا بگیران ابلاغ کند

اکنون میخواهیم که هر پنج حقوق مذکور را بطور خلاصه توضیح بدهیم و اصطلاحاتی

را که در آن برای این منظور بکار برده شد که دریم تا خوانندگان بتوانند از آن

استفاده بیشتری بکنند و هم با این اصطلاحات اساسی موافقت پیدا کنند

ایمان و عظیم

قبول کردن را در اصطلاح «ایمان» میگویند و آن دو جنبه دارد : یکی «اقرار باللسان» و دیگری «تصدیق بالقلب» بازبان اقرار کردن شرط لازم برای داخل شدن در دایره اسلام است و با قلب تصدیق کردن لازم ایمان حقیقی است. وقتی یک نفر بر قرآن ایمان می آورد باید اقرار کند و بازبان بگوید که قرآن کلام خداوند متعال است و بوسیله افضل فرشتگان یعنی حضرت جبرئیل علیه السلام بر افضل انبیاء احمد مجتبی نبی آخر الزمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده

بدین اقرار آدم دارد و آئینه اسلام میشود ولی ایمان حقیقی وقتی نصیب وی میشود که در باره تمام این امور یقین محکم بدلی او جایگزین بشود. درین حالت است که عظمت قرآن به قلب او درخورد و نقش می بندد هر چه قدر که ایمانش بر قرآن محکم و راسخ تر میشود و احترام و کرامت بیشتری برای قرآن قایل میشود. ایمان بر قرآن و تعظیم بآن لازم و ملزوم می باشند از روی آیات مبارکه قرآن می دانیم که اولین کسی که باین صحیفه آسمانی ایمان آورد خود حضرت سغیب صلی الله علیه و آله و سلم بود و بعد از آن صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین -

إِنَّ الرُّسُولَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ
مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ
ایمان آورد رسول بر آنچه نازل شد بروی
از طرف خدایش و ایمان آوردند —
(البقره - ذکوع ۴۰)

ایمان سغیب و صحابه بصدر دل بود و یقین محکم که این کلام خداوند متعال است. چنانکه از طرفی تعظیم و احترام آن در دوشان نقش بست و از طرف دیگر با محبت عمیق بدان گردیدند بنا بر این حضرت سغیب صلی الله علیه و آله و سلم بادل مضطر منتظر وحی می بودند و همیشه از خدا میخواستند که وحی هر چه زودتر بیاید. هر وقت آیات قرآن نازل میشود با کمال اشتیاق گوشش میفرمودند هر چه زودتر آنرا بجا فط بسازند تا آنکه خدای متعال از روی شفقت منع فرمود:

وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ (طه)
و نیندگفت:

وَلَا تَقْرَأْ بِهِ إِسْرًا لِتَعْجَلَ
بِهِ (سوره قیامه ۱۷۵: ۱۷۶)

در اوایل یکبار در نزول وحی کمی دیر شده بود و در این مدت کوتاه حضرت پیغمبر فوق العاده نگران بودند میخواستند خود را از بالای کوه پرتاپ کنند. اغلب ساعات شب را در حضور حق ایستاده بسر می بردند و قرآن میخواندند تا حدی که برود

پای مبارک متورم میشوند و آیات و احادیث آن شایسته است که بعضی از صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین هم در بیداری شب از رسول خدا تبعیت می کردند. اغلب صحابه در رفته ای یکبار قرآن کریم را تماماً تلاوت می کردند. بعضی اوقات حضرت رسول صحابه کرام را میفرمودند که قرآن بخوانند و خودش گوش میدادند و اغلب از شدت تأثر اشک از چشمان مبارکشان میریخت.

حضرت رسول و صحابه قرآن را به یقین کلام خداوند تعالی میدانستند و در حالیکه یقین پای ما بر قرآن سست است و بهمین جهت است که اغلب ما توجه شایانی با دعا و امر قرآن نمیکنیم این کیفیت را قرآن بدین آیات بیان نموده

وَأَنَّ الَّذِينَ آؤدُوا الْكِتَابَ مِنْ
بَعْدِهِمْ لَنْ نَشَقَّ مِنْهَا
حُرِيْقًا (سوره شوری ۲۷، ۲۸)

بهمین جهت دل ما هیچ عظمتی برای آن قایل نمی شود و طبع ما سختی برای تلاوت قرآن مجید و تدبر بر آن قایل نمیشود. اصل سبب این همه سستی ایمان و یقین بر قرآن است که تافع نشود هیچ چیز و مغشوش سودی نخواهد بخشید.

بنابرین وظیفه همه ما اینست که بر احمق و لهمای خود نگاه کنیم که آیا قرآن را فقط یک کتاب موردی مذهبی و مقدس آسمانی مشتعل بر چند داستان باستانی که هیچ رابطه ای با زندگی کنونی ندارند میدانیم و یا اینکه آنرا کلام خدای متعال دانسته یقین قبول میکنیم که برای هدایت عامه انکس و بکار بستن در همه امور زندگی نازل شده است.

اگر ایمان ما درست است که الحمد لله ولی اگر نقصی در این موجود است باید گوشه باشیم هر چه زود تر این نقیصه را جبران کنیم و بچگونگی احکام قرآن را می توانیم از اینمگر اینکه اول ایمان کامل بر آن داشته باشیم.

ممکن است کسی سوال کند که نقصان ایمان بر قرآن را چه طور جبران کنیم جواب

گوئیم کہ آہن ترین طریق برای تحصیل ایمان، معاشرت و مجالست با اہل یقین است۔
 پس جہت بود کہ دلہای صحابہ کرام، از مجالست با محمدؐ ایمان و سپیکر یقین، رحمت للعالمین
 کسب فیض نموده و طوری متور شدہ بود کہ امروز دیگر تصور آن ہم غیر ممکن است۔
 بعد از رحلت حضرت رسولؐ برای اکتساب نور ایمان، ہمہ مردم احتیاج بہ معاشرت با
 کسانی دارند کہ دلہای شان از نور ایمان و یقین روشن است۔ اس مردان حق نور ایمان
 را بیشتر از ہمتہ آن میگیزند و بعد از ان بہ اخبار سیرت حضرت پیغمبرؐ مراجعہ میکنند۔ در
 عین حالت سیرت صحابہ کرام را ہم در نظر میگیرند۔ بہترین وسائل برای پیدا کردن
 یقین بہتر آن، خود قرآن است۔

بطوریکہ در صفحات آئینہ مفصل سخن خواہیم گفت، ایمان چیزی نیست کہ
 از انسان جدا است بلکہ در باطن ہمہ کس شمعش روشن است و قلب انسانی آن جام جهان
 نمائی است کہ تمام حقائق کایجاد آن پرلومی افکنند کہ ناش ایمان است۔ و حقیقت در اثر
 محیط غلط و تعلیم و تربیت غلط، سمع باطن آدم کہ نور می شود۔ و در اثر اعمال بد آئینہ و قلب غبار
 آلود میگردد۔

۱۔ مولانا فخر علی خان مرحوم در مثنوی بزبان اردو این مطلب را چنین بیان کردہ :

وہ جنس نہیں ایمان جسے لے آئیں دکان فلسفے

ڈھونڈے سے ملے گی قائل کو یہ قرآن کے سہ پاروں میں

رایمان چیزی و کالای نیست کہ از دکان فلسفہ فروشی از امتیواں حسدیکہ آثر ایک نفر

قرآن خوان باید دہی چارہ ستان جستجو کند

۲۔ کل مولود یولد علی فطرتاً... الخ (ہر کس بر فطرت سالم متولد می شود و پدر و مادرش

بعد از او را یہودی یا نصرانی دیا مجوسی می سازند)

۳۔ کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ خَلْقٍ لَّعَلَّہُمْ تَمَّا كَانُوا اَیْکِسْبُوْنَ (سورہ مطففین، ۸۳: ۱۴) (ابدائین

طوریست بکہ در اثر اعمال شان دلہای شان زنگ خوردہ است۔

برای صیقل کردن چنین آئینه آیه شریفه: "تَبصُّوهُ ذِكْرِي لِكُلِّ غَيبٍ مُنِيبٌ" نازل شده است. اگر این آیه مبارکه را به نیت جستجوی حق بخوانیم و بر آن غور و فکر کنیم پرده از روی تمام محجوبات برمی خیزد و باطن انسان از نور ایسان روشن می شود.

در سطور فوق گفته شد که نخستین بار نور ایمان را چطور کسب کنیم. ولی اگر بعداً بسبب غفلت و غلبه بهیمیت آئینه دل غبار آلود شود، تنهاراھی که برای دوباره جلا دادن آن از بهر راست تراست، تلاوت کلام اللہ است. بر وایت حضرت عبداللہ ابن عمرؓ روزی حضرت رسولؐ فرمودند:

قلبهای مردم نیز بهمان طور زنگ میگیرند	إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَصَدَأٌ
که آهن در اثر آب، پرسیند	كَمَا يَصَدَأُ الْحَدِيدُ إِذَا
جلای آن چیست؟ فرمودند	أَصَابَهُ الْمَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ
به کثرت اندیشیدن از امرک	اللَّهِ مَا جَلَّ مَا قَالُ كَثْرَةُ
و خواندن قرآن	ذِكْرِ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

(بیہقی)

خلاصہ: داشتن عقیدہ موروثی که مستر آن یک کتاب مقدس آسمانی است برای اصلاح احوال کافی نیست. اولین حق قرآن که بذکر ماست اینست که یقین کنیم قرآن کلام الہی است برای هدایت ما نازل شده است.

با داشتن این یقین یک انقلابی در در و باطن ما و قرآن بسپا خواهد شد. وقتی دانستیم که این کلام خالق و مالک ماست که دانش تبارک و تعالی در او الراء ثم وراء الراء است و هیچ تصور آن برای ما ممکن نیست و بقول افضل البشر لعبد الانبیاء از تصور ادراک ذات باری عاجز بودن از درک ذات است که انقلابی در فکر و نظر ما بسپا خواهد کرد.

۱- (سورہ ق ۵۰: ۸۱) متوجہ کننده و یاد آوری برای هر آنکس که بخواہد خدا با خود کند
 ۲- قول معروف از حضرت ابو بکر صدیق است کہ "العجز عن درک الادات ادراک" و حضرت علی کرم اللہ وجہہ بر آن قول فرسندوزد کہ "و البحت عن کتہ السنات اشراک".

وقتی این یقین بدلهای ما را سح شد خواهیم فهمید که درین دنیا نعمتی بزرگ تر
 از تکران مجید موجود نیست. در این صورت است که تلاوت قرآن غذای روح و
 دغور و فکر بر آن نور دل و ذهن ما خواهد شد بطوریکه هیچوقت از تلاوتش سیر نخواهیم شد.
 حتی پس از آنکه تمام عمر خود را در تدبیر و تفکر صرف نمودیم باز فکر خواهیم کرد
 حق اینست که حق ادا نشد!

بطوریکه در حدیث آمده 'فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم که کسیکه از غنائم قرآن مشوق باشد باز
 خیال کند که غنای از من یعنی تراست بگو یا قدر و منزلت قرآن را نشناخته است:

تلاوت و ترتیل

برای خواندن سه آن گریه بر دو کلمه (قرات و تلاوت) در خود قرآن بکار رفته است ولی مفهوم هر یکی از دیگری جداست. "تلاوت" برای کتابی است که آنرا مقدس دانسته باشند و تعظیم فوق العاده از نظر اتباع و پیروی میخوانیم. به همین جهت این کلمه برای قرات صحائف آسمانی امر و حج و منقص است در حالیکه "قرات" برای خواندن هر کتاب و تحسیریری که باشد بکار برده میشود. از روی لغت "تلاوت" با کسی بودن و دنبال فستن است ولی "قرات" فقط خواندن کلمات و جملات با صدای بلند است و در ابتدا "قرات" برای آموختن قرآن و علوم مربوط بکار میرفت و کسی که عالم قرآن بود او را "قادی" میگفتند ولی بعد از این اصطلاح برای کسانی راجع گشت که قرآن را با اہتمام خاصی

و بار عایت قواعد علم تجوید میخوانند و تلاوت خواندن معمولی را که با خشوع و خضوع و از نظر کسب فیض و برکت و ثواب باشد، میگویند.

تلاوت قرآن علاوه برین که عبادت بزرگی است، وسیله مؤثری برای تجدید ایمان نیست نمی باشد.

قرآن کتابی است که فقط یکبار خواندن و فهمیدن معنیش کافی نیست بلکه باید مرتب آنرا بخوانیم برای اینکه تلاوت قرآن حکم غذای روح را دارد. بطوریکه جسم انسانی برای بقای خویش محتاج غذای و قوتی است که مانند جسد حیوانی انسان هم از زمین بدست میآید، بهمین نحو روح انسان که آسمانی است، محتاج غذایی مرتب مثل تلاوت کلام ربانی است. ازینجاست که خداوند متعال پیغمبر خود را در سوره آن، تاکید فرمود که قرآن را مرتب و با در با نخوان - در ابتدای عهد رسالت، خداوند با تاکید خاصی امر فرموده بود که اغلب اوقات شب را در قیام بسر ببری و قرآن را آهسته و مشخص بخوانی. در سال های بعد نیز هر وقت مصیبتی و مشکلی پیش می آمد پیغمبر صلی الله علیه و آله همیشه که به تلاوت قرآن پاک مشغول شوید. چنانکه در سوره کهف ارشاد باری تعالی است:

وَأَنْتُمْ مَأْمُورُونَ بِاللَّيْلِ مِنَ الْكُتُبِ
وَأَنْتُمْ مَأْمُورُونَ بِاللَّيْلِ مِنَ الْكُتُبِ
وَأَنْتُمْ مَأْمُورُونَ بِاللَّيْلِ مِنَ الْكُتُبِ
وَأَنْتُمْ مَأْمُورُونَ بِاللَّيْلِ مِنَ الْكُتُبِ

و بخوان آنچه وحی شده و بطرف شما از کتاب
پروردگار شما هیچ کس نمی تواند بخواند
و تغییر دهد و برگزیند و بخواهد یافت جز نگاه او
پناهگاهی را

(سوره کهف رکوع ۴)

در سوره عنکبوت ارشاد شده است :-

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

تخوان آنچه وحی شده بسویت از کتاب
و در نماز پایداری کن

(سوره عنکبوت رکوع ۵)

ازین آیات بوضوح معلوم است که تلاوت کلام پاک همیشه بر ما لازم است و غذای روح مؤمن است. ایمانش را تازه نگه میدارد و برای دفاع از مصائب و موانع بهترین

ابزار است -

درباره آمان که در این حقیقی کتاب الهی اند، در خود قرآن مجید آمده:
 الَّذِينَ اتَّيْتَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ
 حَقًّا تِلَاوَةً
 کسایک آنها را کتاب دادیم تا گوش می
 کنند بطوریکه حق تلاوت آنست

(البقره ۱۲۱:۲)

بمصادق این آیت خداوند متعال همه ما را توفیق دهد، حق تلاوت آنرا ادا کنیم
 لهذا باید بدانیم که تلاوت قرآن مجید مقتضی چه شرایطی است -

۱- تجوید
 از همه لازم تر شناخت حروف قرآن است چه حرفی از چه فخرجی ادا میشود
 و اطلاعات درباره رموز و ادقاف قرآن را باید کسب کنیم که بدون آن تلاوت
 صحیح ممکن نیست. چهل پنجاه سال قبل بر کورک مسلمان درس خواندن از حروف و
 کلمات قرآن شروع میکرد ولی متأسفانه از چند می پیش مکاتیب و مدارس دینی که اغلب
 جزو مساجد بود، رو بزوال نهاد و با حداثت بنا نهاد و بریستانهای جدید اوضاع طوری
 عوض شد که هم اکنون اغلب جوانان و تعدادی از پیر مردمان نیز قادر نیستند قرآن
 را حتی ناطق هم بخوانند. بله موم این افراد در سطح از عمر و زندگی که باشند توصیه می نمایم که هر چه
 زودتر نقصان خود را ببران کنند. در همین حال درباره اولاد خود نیز مصمم باشیم که آنها را در
 خواندن را از قرآن آغاز کنند. برای هر کس شاید مقدور و ضرور نباشد که عالم مجتهد قرآن دین
 باشد ولی لا عاقل باید بکوشد تا قرآن را درست بخواند که شرط اولین حق تلاوت آنست

۲- مقدار تلاوت روزانه
 شرط دوم برای ادا حق تلاوت قرآن اینست که یک
 مقدار آنرا همه روز حتماً بخوانیم و تلاوت روزانه

را عادت خود سازیم. مقدار تلاوت روزانه برای همه کس یکسان نمی تواند باشد. حد اکثر
 این مقدار تلاوت که حضرت پیغمبر نیز تأیید آن فرمودند اینست که یک نفر تمام قرآن را
 در سه روز بخواند و حد عقل اینست که هر روز پاره ای بخوانیم تا درسی روز یعنی در طرف یک پاره
 قرآن را تمام کنیم. کم تر ازین را معمول و عادت نمی توانیم بگوئیم. حد متوسط که اغلب صحابه کرام

معمول خود ساخته بودند و حضرت پیغمبر نیز یکی از صحابه (عبد اللہ بن عمر) امر فرموده بودند قرآن را در یک هفته با تمام برسانند. بهر صورت بر هر مسلمان واجب است که قرآن را در یک ماه تمام بخواند. علاوه بر غذای روح که بر مسلمان نیازمند است، عامه مردم ناز تلاوت قرآن پسند و موغلت و اهل علم و فکر البصیرت و راهنمائی تحصیل می نمایند اهل تکوین و تدبیر نیز نیازمند تلاوت قرآن اند چون بسیاری از اشکالات ایشان فقط از تلاوت کلام اللہ حل میشود.

۳- خوش الحانی | تا آنجا که ممکن باشد همگس باید قرآن را با ثبات بخواند، چون از صدای خوب بهره لذت میبرند و صوت خوش را همگس طبعاً دوست دارد. اسلام دین طبیعی است و هیچ جذبه طبیعی بشر را یکبارگی از وجدانی کند بلکه عواطف طبیعی را بر او مستقیم هدایت میکنند. حسن نظر و حسن سماعت از عواطف طبیعی بشداند. اگر قرآن مجید بخط خوب کتابت شده و نحو حسن بزیر طباعت آراسته شده، ذوق نظاره مومن تسکین می یابد و اگر آرزو آباد از خوشش بخوانند ذوق سماعت احساس اطمینان میکند. بی سبب نیست که پیغمبر خدا اکیداً فرمود:

”ذینو القرآن باصواتکم“

”قرآن را با آواز خود موزین کنید“

و نیز بدین کلمات مبارک تنبیه فرمود

”من لکم ینعن بالقرآن فلیس

کسی که قرآن را با آواز خوش آید

بشاً“ (البود اذ)

نخواند ازمانیست“

آنحضرت برای تسوین مسلمانان بشارتی نیز دادند:

ماذن اللہ لشئ اذنه لحسن

خداوند تعالی بی هیچ چیز مانده قرآنی که با صوت

الصوت بالقرآن

خوش قرائت شده بخشندهی گوش می دهد.

بارها پسین اتفاق افتاد که آنحضرت می رفتند کسی از صحابه را می شنیدند که قرآن را با آوازی خواند. همانجا می ایستادند و ساعتها گوش میدادند و وقتی او را میسیدند تشویق می فرمودند. بعضی اوقات حضرت پیغمبر از صحابه خود درخواست می کردند که برای ایشان قرآن بخوانند چنانچه در آنجا آمده که روزی آنحضرت از عبد اللہ بن مسعود خواستش کردند و آن

بخواند. ایشان عرض کردند: یا رسول اللہ برای حضرت چه بخوانم که بر آنجناب همه نازل شده است؟ فرمودند که: درست است ولی میخوانم از دیگران گوش کنم، چنانکه در آتشال امر آنحضرت، ابن مسعود آن خوانند و اشک از چشمان مبارک آنحضرت روان شد. همچنین در یک موقع دیگر آنحضرت دیدند که یکی از صحابه رضایعین ملائیم قرآن میخواند آنحضرت بدین کلمات تشویق و تحسین فرمودند که: گویا از سر و دای آل داؤد بهره ای یافته ای. بدین خصوص فتوٰی که شامل تصنیح دریا باشد مذموم است، مخصوصاً اگر کسی کلمات قرآن را مثل خود ساخته باشد برایش مہلک است ولی تا حدی که مقدر باشد باید قرآن را با ذوق خواند تا دل آدم تسکین یابد.

۴- آداب ظاہری و باطنی | برای تلاوت قرآن بعضی آداب ظاہری و باطنی نیز وجود دارد که باید آنرا رعایت کنیم. آداب ظاہری اینست که تلاوت کننده با وضو باشد. موقع تلاوت رو بقبعد بنشیند و از تَعَوُّذ آغاز کند. آداب باطنی اینست که عظمت کلام و صاحب کلام در دل وی نقش بسته باشد. با خشوع و خضوع و با کیفیت رجوع الی اللہ تلاوت کند. از نظر کسب رشد و هدایت و با معزم راسخ با عنایت باینکه تغییرات مہمی در زندگی پیدا و مہوید اشود، قرآن را بخواند. مرتب در بارہ آن فکر و تدبیر کند. اینچنین بکوشش برسد بپگیران تذکرہ دہد. برای انکار و اوہام دنیوی خود زارتہ آن سنجوید و پیش او امر و نواہی آن کتاب مقدس سدا سلیم شود.

۵- ترتیل | اعلیٰ و ارفع ترین صورت برای تلاوت قرآن جمید، آہستہ آہستہ و با اطمینان خواندن آنست در نماز مخصوصاً و در نماز تہجد. اگر آہستہ و با اطمینان بخوانیم، اثرات آن بر دل مترتب میشود. این قبیل خواندن را در اصطلاح قرآن "ترتیل" میگویند و از جملہ جمہترین او امر کہ در بدو مجال نبوت بدل حضرت داؤد

شد یکی این بود که

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُلُوبُكُمُ الرِّجَالُ
 قَلِيلًا نَصْفَهُ أَوِ الْقِصَصُ مِنْهُ
 قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِمْ وَأُتْرِلَ الْقُرْآنُ
 تَرْتِيلَهُ

آی جامه بخود سپید و اشب را بنما
 دطاعت خدا چو سینه گوی که نصف یا
 چیزی کمتر از نصف باشد بر آن اندکی بخیز
 و بتلاوت آیات قرآن با توجه کامل منزل

د سوره منزل ، باش

باطمیننه خواندن قرآن گویا مماثلت یا نزول آن دارد، چون قرآن یکبارگی یا تفریقاً
 نازل شد بلکه بتدریج نازل شده است. کفار ایراد گرفت بودند که چرا قرآن یکبارگی و
 تماماً نازل نمی شود. جواب آن در سوره فرقان داده شده است:

كَذَلِكَ هُنَّ آيَاتُ الْكُرْآنِ تَنْزِيلًا
 كَذَلِكَ نُنزِلُ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

بدینسان نازل کردیم تا استوار سازیم دلت
 را بدان و از آبت تدریج بسوی شما

فرستادیم

الفرقان - ۲۵ : ۲۲

معلوم شد که ترتیل و تدریجی است برای استوار داشتن قلب بلکه بعضی
 اوقات ترتیل قرآن این قدر بدل اثر می گذارد که آدم اشک می ریزد. چنانکه علامه ابن عربی
 در احکام القرآن، بقول حضرت حسن در باره ترتیل مینویسد که روزی حضرت پیغمبر را بر روی
 گذراندند. آن مرد مستر آن را به ترتیل میخواند. آیتی میخواند و میگرفت. آنحضرت به
 صحابه رو آورده و فرمودند که اینست ترتیل. در باره ترتیل حدیث پیغمبر نیز در کتب اخبار

آمده :

أستلوا القرآن و اسكوا (ابن ماجه) "قرآن را بخوانید و گریه کنید"

در باره آنحضرت نقل است که شب باوقتی بنماز می ایستادند و قرآن میخواندند از
 فسر گریه سینه مبارکشان جدا بلند بود گویا در یکی بر اجاق است و جوش میزند.

شرط اساسی ترتیل اینست که هر چه بیشتر قرآن را از بر داشته باشیم و
 حفظ ۶- از حافظه بخوانیم. بدینجاست ذوق حفظ قرآن روز بروز رو به کمالش است.

کسیکه میخواهند حافظ قرآن باشند کوشش می کنند بمسوره های قرآن در سینه های شان جاگیر و معلوم است که مناسب ترین عمر برای اینکار کودکی است و عقل و فهم کودک ابداع صلاحیت و تک مطالب قرآن ندارد. و انجمنی مردم طبقه سه و چهار هستند که اغلب بچه های خود را باینکار می گمارند آنهم بیشتر ازین نظر که شغلی مثل سپیش امام بودن بدست خواهد آورد.

در حالیکه سابق بچه های اعیان و اشراف نیز حافظ قرآن میشوند. و در هندوستان و پاکستان بعضی از خانواده های ثروت و شرافت مند بوزند که اغلب اعضای آنها حافظ قرآن بوزند و خانواده ای که کسی از اعضایش حافظ قرآن بود خود را بدبخت تصور می کرد. هر چه بیشتر از مسلمانان حافظ قرآن باشند مبارک است ولی منظورم اینست هر فرد مسلمان در تمام زندگی اش کوشش باشد قسمت های بیشتر قرآن را بحافظ بسیار و تا وقتی در نماز می ایستد بتواند در حضور پروردگار خود کلماتش را بخواند. متأسفانه بعضی از علمای دین و پیش نماه های مساجد هم که بطغییل قرآن آذوقه بایشان میرسد توجه شایانی بر این مطلب نمی کنند و در هر رکعت نماز همان مسوره های را قرائت می کنند. باید کوشید که قسمت های بیشتر قرآن حفظ شود تا بتوانیم حق تریل را ادا کنیم.

تذکر و تدبیر

بعد از قبول و قرائت حق سوم شد آن اینست که مطالب و مفاهیم آموز درک کنیم که مقصود اصلی نزول آنست. بدون درک مفهوم و معانی قرائت کردن فقط برای کسانی درست و رواست که سواد نیاوی ندارند و به پیری رسیده اند و کسانی که همتا بی سواد اند اگر قرآن را فقط باز کنند و انگشتان خود را روی سطور آن بگیرد مانند بلاشک مستحق ثواب و برکت خواهند بود ولی اگر کسانی که سواد کافی دارند و فقط به قرائت

قرآن کتفا میکنند ممکن است مرتکب ناسپاسی و بی ادبی شده و باشند جز اینکه عزم کنند علم قرآن را یاد بگیرند و در این ماه سعی و کوشش درین کنند و در این مدت اگر هم تپلاوت کتفا میکنند اجسد و ثواب خواهند یافت.

بعلاوه علم و ادراک قرآن چیز ساده و آسان نیست بلکه مراحل و مدارج فراوان دارد و بر حسب طبق استعداد، تمایل طبع، سعی و جهد، کوشش و کاوش و تدبیر و تفکر خویش ازین خد نیه بی بهای تو اند بهره ای بسود و دینز به یکس ابر همس باهوش و کوشا باشد نمی تواند از برکات و فیوضت آن سیر شود و تصور کند که قرآن را کاملاً فهمیده است بخود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره قرآن فرمودند که گنجی است که جوهر آن بیحیو قوت کم نخواهد شد کار خورشید در راه آن بی پایان نخواهد رسید.

له تسئل : اصلاً این همان حقیقی است که در حدیثی بیان شده ولی ازین حدیث اشقیابها استنباط کرده اند که چنانچه یک نفر باهوش و تحصیل کرده، هم بدون درک کردن معانی قرآن را بخواند او را ثواب میدهند حدیث در باره آن چنین است :

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مِ السَّفَرَةِ الْكُورِ الْبُرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَمَّتْ لَيْسَهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَأْنٌ لَهُ أَجْرَانِ"

حضرت عائشه فرمود حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را نقل کرده اند که ما هر که متخصص قرآن در رویف درشتگان است که مکرم و محرز و وفا شعار و فرمانبردارند و کسیکه قرآن را بسختی میخواند و برای آن زحمت میکند

(بخاری و مسلم)

اجرتش دو برابر است.

له در حدیث مفصلی که روایت حضرت علی رضی الله تعالی عنهما رسیده، حضرت پیغمبر صلی الله علیه

و آله و سلم در باره قرآن مجید چنین فرمودند
لَا يَشْبَحُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَلَا يَخْلُقُ

علماء بیحیو قوت ازین کتاب سیر نخواهند شد
کثرت تکرار و تلاوت این کتاب لذت

من كثرة الرد ولا تنقضه حجاب

خوابش را کم میکند و زخرازه و حجاب آورد (علوم و معارف نو) این کتاب بیحیو قوت تمام خواهد شد

وَقِيْ ذٰلِكَ فَلَيْتَنَّ اَنْسُ الْمُتَنَانِيْنَ اِنْ چسبندی است که گزندگان باید پرس

آن برگزند

(سطفین ۸۳: ۲۷)

پس کسانی که با عدم و محبت میباشند و حوصله و آرزو و یاد دارند قرآن را میدان کاوش های خود می سازند و کوشش می کنند در ایلقی راه هر یک بر دیگری سبقت جوید رویه فقه برای افهم و ادراک نور خود است آن مجید کلماتی نظیر افهم و فکر و عقل و فقه و غیره بکار رفته است ولی عجب اینست که جامع ترین اصطلاحی که در قرآن بیشتر بکار برده شده است، ذکر و تذکر است بلکه خیلی جاها قرآن خود را بکلمات ذکر و تذکر می داند که لقب میبکند. این اصطلاح اصلاً نخستین مرحله فهم قرآن را بمانشان میدهد و مقصود حقیقی آنرا (فهم قرآن) هم بهای رساند و در همین حال این حقیقت نیز بر باروشن میشود که برای نفس انسانی تعلیمات قرآنی چیز غریبی نیست و خیلی نزدیک بر طبع و نهاد است. ذکر اصطلاح یاد آور بودن شیء باشد زیرا یکی چسبندی نو و تازه یاد دادن قرآن تمام آن کسانی را که ذمی شعور و ذمی هوش باشند و آنها را "اولوالالباب" و "قوم یعقلون" خوانده است. دعوت ب فکر و تعقل و تدبیر درباره خود میدهد و آفاق و انفس را نخستین میدان آن قرار میدهد که پر از آیات الهی است و نیز مردم دارای فهم و شعور را دعوت میدهد که درباره آیات قرآنی هم دقت و فکر بکنند و میگوید

كذٰلِكَ لَفُصِّلَ الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ بچنین ما آیات خود را برای کسانی که

يَتَفَكَّرُوْنَ (سوره یونس: ۲۴) در آن فکر میکنند، بوضوح بیان میکنیم

نیز فرموده:

وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ دنازل کردیم برای شما ذکر که آنچه از احکام

لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ (سوره نحل: ۱۷) برای مردم نازل شده آنرا توضیح دهید

و همچنین فرموده:

كذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ اٰیٰتِهِ و نیز خداوند آیات خود را شرح داد و

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
 (بقره ۲: ۲۴۳)

خیلی واضح بیان میکند تا شما بتوانید
 وقت کنید و تفهیم

و نیز فرموده است:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ
 تَعْقِلُونَ (یوسف ۲: ۱۱۲)

همانا قرآن را بر زبان عربی نازل کردیم تا
 شما بتوانید با سانی آنرا درک کنید

وقتی آدم در باره آیات قرآنی آیات آفاقی و آیات انفسی وقت و فکر میکند اص
 میکند که بین این بر سه رابطه عمیقی وجود دارد و نیز اینکه آیات مذکور باید گیر کاملاً متحد
 شده بعضی از حقائق را سهیمائی میکنند که شواهد آن در فطرت خود آدم مضمّن است
 و بدین طریق شاهدهی که در باطن خود او پنهان است ظاهر شده بر پرده های شعور او نمودار
 میشود و علم حقیقت نفس الامر که اسم دیگرش ایمان است همان طور به شعور او ظهور میکند
 که بعضی اوقات سخنی از یاد فرستید که فقه از لابلای خاطرات محفوظ سر بر آورده بندین او
 میرسد و بزبان میآید — در اصطلاح قرآنی "تذکر" نام دارد.

این تذکر مورد نیاز هر کس میباشد و لوائیکه او متعلق به جامعه مردم باشد و یا اینکه از
 خاصان و اعیان باشد و بهمین جهت است که خداوند متعال بمنظور تذکر قرآن پاک را
 خیلی آسان ساخته است و در آیه ای از قرآن مجید چهار بار فرموده که:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ

برای ذکر قرآن را خیلی آسان خستیم

فَهَلْ مِنْ مُدْكَرٍ

آیاتی هست که این یاد آوری استفاده می رسد

آیه فرور بر حجت و برهانی است برای تمام مردم هر چند هم که فردی استعدادش کم
 باشد و فلسفه و منطق و علوم و فنون ندانسته باشد و یا نکات دقیق زبان و ادب را یاد
 نگرفته باشد با سانی از قرآن کریم تذکر کند بشرطیکه طبع سلیم و فطرت پاک داشته
 باشد و فاسد و کج نشده باشد — و او وقتی قرآن مجید را بخواند مفهوم ساده اش
 برای او قابل فهم شود.

"تیسرین آن للذکر" جنبه های مختلف دارد. اولاً اصل موضوع و مطالب آن

عیناً مطابق فطرت انسانی است و در موقع قرائت قرآن یک آدم سلیم الفطرت صدای باطن خود را می شنود. ثانیاً طریقه استدلال آن بغایت ساده و طبیعی و دیگر اینکه مطالب را بوسیله مثالهای دلنشین و دلپسند توضیح داده شده. آنرا آسان ساخته اند. ثالثاً بلاشبه قرآن پاک یک شاهکار ادبی است که نظیر و مانند ندارد و فصاحت و بلاغت آن باوج کمال رسیده است. زبان سبک آن بغایت آسان است و کسی که زبان عربی را کمی بداند یا اندک ذوقی خیلی زود با زبان و بیان قرآن انس پیدا میکند و فقط چند جای انگشت شماری مانند که قسم آن برای یک آدم عادی کمی مشکل است ولی بهر حال برای تذکره قرآن اطلاعات اساسی زبان عربی و فقط به ترجمه لفظی آیات مقدر استقامت نمودن اصلاً کافی نیست و بنده با کمال خلوص و حسن نیت عقیده دارم که تا آن حد اطلاعات زبان عربی لازم است که کینه فرد عین تلاوت بدون اینکه توجیهی به ترجمه و غیره بکند معانی ظاهری آیات مبارک را بفهمد. برای هر مسلمان با سواد حکم فرض عین را دارد و بنده را عقیده برین است که یک مسلمان کم سواد نیست تا آن حد زبان عربی را یاد بگیرد که به معانی ظاهری کلام پاک را پی بسد و تا چه برسد بکسانی که زبان خارجی را آموخت باشند و بیاس و فوق لیدنس را نیز گرفته باشند. پزشکی و هندسی و علوم و فنون مشکل دیگر را خوانده و مدرک را احراز کرده باشند چنین کسانی در بارگاه خداوندی چه عذری می توانستند بیاورند چنانچه به فراگیری زبان عربی اهتمام نوزند و البته بیچ عذرشان مسموع نخواهد شد.

خوانندگان گرامی! این جانب با حسن نیت و صمیمیت هر چه تمامتر عرض برساند که چنین افراد صلاحیت دار اگر اطلاعات زبان عربی را فرا نگرفتند و بد آنجهت از پی بردن معانی قرآن پاک عاجز ماندند فقط به کلام اللہ بی اهمیت کرده اند بلکه مرتکب با نتمی نیز شده اند و شما خودتان کمی فکر کنید که نظریه چنین رفتار آیا مستحق آن نیستیم که قادر ذوالجلال بشدت ما را مورد سؤال قرار داده به عتاب و عقوبت جزا دهد؟

بنظر من لا اقل این قدر عربی باید گرفتن که معانی ظاهری مترجم آن را نفهمیم، بر فرد مسلمان با سواد واجب بلکه فریضه است و دینی است برگردن ما که اگر ادا نکنیم نه فقط بر مترجم بلکه بر خود نیز ظلم خواهیم کرد.

تدبر قرآن که مرحله دوم از تفهیم قرآن است اقتضا میکند درباره آیات قرآنی غور و فکر کنیم و در دریای عسوق حکمت ما که در هر ذره قرآن موج میزند غوطه زده و با گوهرهای تازه بیرون آوریم. چون قرآن مجید، هدایت کننده مردم است بنا بر این ز فقط عامه مردم را در باره کائنات و اینکه چگونه باید زندگی را بسرزند بطور واضح راهنمایی نموده است بلکه خواص دانشمندان و پژوهشندگان را نیز کاملاً راهنمایی می کند و در هر حرس سفر فکری و عمل دست شان را گرفته بمقصود هدایت میکند.

اینکه درباره آیات قرآنی تدبر باید کرد و در خود مترجم صریحاً از آنها بدین کلمات سخن گفته است

کتاب انزلناه الیک
مبارک لک لیتدبروا آیاته
دلیتذکر اولوا الالباب -
این کتاب کتاب هدایت مبارک که بر شما
نازل کردیم تا مردمان دانشمند در آیات
آن تدبر وقت کنند و کسانی که صاحب عقل
و دانش اند از آن پند گیرند

(سوره ص ۲۷: ۲۹)

و از اینکه چسب مردم در آن تدبر میکنند، بدین کلمات گفته است،
اقلایستدبرون القرآن
(نساء: ۲: ۸۲)

و نیز فرموده
اقلایستدبرون القرآن ام علی
سئلوب اقصاها
آیا این باد مترجم آن تدبری کنند که بر
دلهای آنها تا فعل زنده اند

(سوره محمد: ۴: ۲۴)

چنانچه قرآن مجید از لحاظ تدبر بسیار آسان است، و حقیقت این است که از لحاظ

"تدر" بهمان اندازه مشکل هم است و کسانیکه درین دریای شرف غوطه میسازند میدانند که در باره ترفایش هیچ اندازه ای ممکن نشده است و در کسی تاکنون توانسته است از که از ترفایش هیچ سراغ داشته باشد. در باره صحابه کرام رضی اللہ عنہم جمعین بعضی از منابع میرساند که آنان در باره یک آیه قرآن مدتهای عتمادی تدر و تکرار مینموده اند چنانکه در باره حضرت عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنہما که حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بایشان تاکید اکید فرموده بودند که بفرقه یک بار حتما قرآن پاک را تمام بخوان، این قدر میدانیم که هشت سال تمام فقط روی آیات سوره بقره تدر فرمودند. باید وقت کرد که صحابه کرام کسانیکه بودند که قرآن کریم بر زبان خود آنها بحضور و جلوس چشمان آنها نازل شده بود. نه هیچ احتیاجی بفرار گفتن قواعد و تئوری داشتند و نه هیچ احتیاجی بر پژوهش و کنجکاوی در باره دور نما و شان زردی آیات و سوره ها داشتند. اوضاعی که در آن یک آیه یا سوره مبارکه نازل میشد پیش چشمان شان کاغذ روشن بوده با این اوصاف از وقتی که سایبان دراز روی یک سوره قرآن یاد کردند میرساند که غوطه زدن در عمق های علوم و حکم قرآن کاغذی نیست و برای آن نه روز یا دو ماه یا بل سالها و عمر باید کوشید و رنج برد. چنانکه در ادوار بعد از تنهاده بلکه صد و هزار کاسانی مثل ابن جریر طبری و علامه زنجبیری و امام فخر رازی عمر خود را صرف کردند تا روی جنبه ای از جنبه های بی نهایت قرآن توانستند کجگو کنند و حق اینست که آنطور که شاید و باید حق مطلب نیز ادا شد!

در طول مدت این چهارده قرن حتی یک نفر از مفسرین هم نبوده است که تغییری قطوری که نوشته او را کرده باشد که او حق تدر بر قرآن را ادا کرده است و از آن کاغذ فحمی و به حکمت های آن پی برده است تا چه برسد به آنها نیکو که در زندگی خود در قرآن تدر کردند و هیچ تفسیری بیادگار گذاشتند.

امام غزالی در احیاء علوم الدین توفی از عرفان نقل کرده که از آن فرق بین تلاوت قرآن پاک برای تذکر و وقت و خوش عمیق در آن معلوم میشود. آن عارف میگوید که بخوبی بفرقه ای یکبار قرآن را میخوانم و در جمعه آنرا با تمام میرسانم و بخوبی مایه یک بار قرآن

را با تمام میرسانم و از طرفی سالی یکبار آنرا تماماً میخوانم ولی از طرف دیگر سی سال است
در آن مشغول و تاکنون ازال فراغت بر نیافته‌ام

قرآن را باید بخواند بشرطی که دارد و واجب آن مشرب الی طوبیون جز این ابد امکان
نیست که آدم خود را وقف آن بکند و تعلیم و تعلم قرآن را منظور و مقصود زندگی خود سازد و
برای رسیدن باین مقصود اولاً کسب اطلاعات دقیق قواعد و صورت زبان عربی فوق العاده
فروزی است و ثانیاً ذوق لطیف ادبی و درک فصاحت و بلاغت آن هم خیلی لازم است
ثالثاً اینکه ادبیات عربی دوره جاهلیت — اشعار شاعران و نکادشات نویسندگان
و خطابه‌های خندانان را نیز دقیقاً باید مطالعه کرده بدقیقت آن پی برد چون قرآن در آن
زبان نازل شده — همین جا تمام نشده بلکه باید دانست که قرآن پاک نیز بعضی از اصطلاحات
مخصوص خود را ساخته وضع کرده و سبک‌های نوین را اختراع نموده و آدم باین اصطلاحات
و سبک‌ها انس نگیرد و دیگر اینکه قرآن را برای یک مدت مدیدی با دقت بخواند .

علاوه بر این درک کردن تنظیم و ترتیب قرآن نیز مرحله بس دشواری در راه تدریس
آنست یعنی پی بردن به حکمت ترتیب فعلی صحیفه آسمانی که با ترتیب نزولی کاملاً مختلف
است و نیز فهمیدن ربط بین سوره ها بلکه آیات بر سوره کار آسانی نیست و صاحبان باعزم و
وساکن با همت نیز درین راه خسته و در مانده شده اند - ولی بهر حال معلوم است که بدون طی
کردن تمام این مراحل حق تدریس آن ابد ادا نمیشود و حقیقت این است که تمام مراحل
فوق الذکر گویا معدنی است که گوهرهای علم و حکمت قرآن حکیم از آن بدست میآید و بعد ازین
همه مراحل و منازل آدم باین نتیجه میرسد که تدریس آن اصولاً دریای است بزرگ و بی نهایت
که انهمانے پران مقصود نیست .

بعلاوه برای فهم قرآن ذخیره کامل احادیث را هم باید مطمح نظر قرار داد و
نیز صحف قدیم آسمانی را هم باید با دقت هر چه تمامتر خواند . خلاصه بعد از طی کردن
این همه منازل است که آدم می تواند تدریس آن کریم را بطریق 'تدریس'
بخواند پس مرحله دومی شروع میشود و آن اینکه در بر عصر تاریخ انسانی علوم عقلی و

تعلی هر دو یک پایه خاصی میباشد و حق تدبر قرآن بدون آن بر هیچ وجه ادعای شود که چونید
حکمت قرآنی، اطلاعات خود را لا اقل تا آن حد حتماً وسعت دهد که نقش مختصری از تمام آن
علوم طبیعی و نظری، با مقدمات و مبانی و طریق استدلال و هیچ استنتاج و فهم نتایج و عواقب
بطور مختصر در ذهن او ترسیم گردد.

باین جهت که از بزرگیان علم و حکمت قرآن مجید که بسط طبع و ذهنی خود و
وسعت قلبی، خود میتواند بهره ای یابد و نور هدایت این کتاب نیز مطابق وسعت افق
فکر و نظر، هر خواننده بر او میتابد — و ناگفته نماند که طرف ذهنی و افق فکری
همه کس هم بمطالعه علوم طبیعی و عقلی معاصر و متداول حاضر آماده میشود

مخصوصاً بمنظور تبلیغ دین و تبیین مطالب دینی فوق العاده مهم است بلکه بدین
ذکرستین این علوم، حق تبلیغ و تبیین اصلاً ممکن نیست برای اینکه در کنار علوم تجربی در هر دوره
منطق و فلسفه و الهیات و مابعدالطبیعیات و علم اخلاق در دانشنامی و بسیاری از علوم
اجتماعی هستند که اغلباً ذهن آدم مرعوب آنان میشود و افکار و نظریات غلطی که در نتیجه
مطالعه این علوم رواج پیدا میکند، ابداً ممکن نیست جز این که خود این علوم را دقیقاً مطالعه
کنیم و منابع اصلی آنها و تفسیری پیدا کنیم و علی وجه البصیرت بریشه های ضد دینی آنها را بطور ظلم
های محکم بزنیم که امام ابن تیمیة و امام غزالی رحمهما اللہ، دو دوره های خود زده اند. درین خصوص عصر
حاضر شاید در این زمینه به نهایت خود رسیده باشد و علاوه بر علوم نامبرده، علوم طبیعی و فنی دیگر نیز به
منتهای اوج خود رسیده است و عقل انسانی را طوری سخر و مجذوب ساخته است که برای

نسل، راجع باین موضوع تأیید الیف مولانا امین احسن اصلاحی مبادی تدبر قرآن کریم از اشباح کاتب
دانش فنی هیچ پیدا نمیشد، اکنون بفضله تعالی دو مرتبه تطبیح رسیده و منتشر شده است و نگارنده خدمت هر
آن کی که میل دارد قرآن حکیم را بطریق تدبر مطالعه کند تقاضا دارد که کتاب مزبور را با دقت هر چه بیشتر پیش
بستادی که دارد باشد بخواند بخواند خداوند متعال مطالعه این کتاب خواننده را هم یک انس قلبی با
قرآن حکیم خواهد بخشید و هم یک تقابل ذهنی (مؤلف)

یک آدم عامی و عادی تعسیر یا غیر ممکن شده است که نظرهای غلط درباره آن علوم را مورد
انتقاد و بحث قرار دهد.

نظر باین اوضاع در عصر حاضر حتی تدبیر است آن فقط در صورتی ممکن است که
گروهی از بزرگان عزم و همت را در جهت خود قرار داده با خلوص نیت زندگی خود را وقف این
کار نمایند و نه تنها و اجد تمام شرائط فوق برای تدبیر است آن باشند بلکه اطلاعات دقیق و مفصل
درباره علوم عقلی و اجتماعی جدید را نیز فرا گرفته و با د نظر گرفتن مطالب قرآن قسمت های درست
نا درست علوم جدید را از هم جدا سازند و نیز با یکبار بردن اصطلاحات معروف و هرگز استلال جدید
خود را و هندا و قلبا ب مردم فیک ساخته نور هدایت قرآن را پیش چشمان مردم روشن نمایند
تا فریضه ای را که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم در تعجیل آیات قرآنی "لَتَسْبِطَنَّهُ
لِلنَّاسِ" در زندگی مبارک خود بخواند و کامل او افزونند درین زمان نیز توسط ائمه است
ایشان دو مرتبه او شود — معلوم است که مابین مقصود منی تو انیم بر سیم مگر اینکه در
تمام مراکز علمی دنیای اسلام دانشگاه های تأسیس شود که مهمترین قسمت آن تدبیر قرآن
نامیده شود و در آن حصار علمی حکم از قسمت های علوم عقلی مثلا منطق، مابعدالطبیعات،
اخلاقیات، روانشناسی و الهیات و علوم اجتماعی از قبیل جامعه شناسی و سیاست
حقوق و علوم طبیعی چون ریاضی و فیزی و طبیعیات و زمین شناسی و هیئت و غیره بنا کرد و برای
هر دانشجو تحصیل تدبیر قرآن اجباری و طبق ذوق خود یکی یا دو ماده از علوم دیگر اختیار می باشد
و بدین ترتیب درین قسمت با علم و حکمت قرآن را بطور تحقیقی فرا گرفته و بتواند بطور مؤثر
ب دیگران برساند

معلوم است که اینکار آسانی نیست و همین جهت است که بکس مؤلف و
مکلف آن نیست. اساسا کسیکه باید اینکار را انجام دهد که با یک عطش طبیعی میل طبیعی به
پدیا و میآیند و وقتا سر خود سالاتی بذهن شان خطور می کند که حل آنها بدون سطر کردن
تمام مرحله های عقل هیچ وجه ممکن نیست کسانی این چنین طبعا مجبورند که برای کسب اطلاعات
بیشتر پروانه به منظور تهیه یک نفر که سنده نوشته مجبور است در تجوی آب و خناب به طرف برود.

همین است و هستند که "رب زدنی علماً" (ای خدا یا علم مرا زیاده کن) گویان قدم
 فراز میگذارد و هر وقت راهنمایی درست بایشان میسر آید سهیم او فراز علم و حکمت
 درمیآید. "تدبر آن" اصلاً کاربرد همین کسانی است ولی دیگران نیز تطبیق
 استعداد و کار و کوشش خود میتوانند ازین راه کسب فیض کنند. برای اینکه مردم برای
 تدبر آن تشویق شوند، باید جسدیش از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم استناد کرد که
 میفرمایند:

كَوْنُكُمْ مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ
 وَعَلَّمَهُ

"بهترین شما کسانی هستند که تدریس
 را یاد میگیرند و به دیگران می آموزند"

(بخاری بروایت عثمان بن عفان)

و درین باب قرآن حکیم نیز بطور کلی راهنمایی نموده است که:-

سَلُوا لِقَاءَ مَنْ كُلِّ قَرْيَةٍ مِنْهُمْ
 طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

"پس چرا نگویند از هر گروهی از
 ایشان دسته ای تا دانش جویند"

درودین -

(توبه: ۹: ۱۲۷)

ابن تفسر فی الدین "آن شمره تدبر آن است که برایش آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم فقط و حق بعضی از صحابه جستند و عاقل بودند و نیز آنرا برای اصول بخیارگه
 فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارَكُمْ فِي إِسْلَامِهِمْ زَبْتَرِيذ شَمَاد جَاهِلِيَّتِ بَيْرِي شَمَاد
 اسلام است) شرط کردند و واجب دانستند یعنی "إِذَا فَفَقَهُمْ"

مثلاً برای حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما حضرت پیغمبر صلی الله
 علیه و سلم بدین کلمات دعا فرمودند:

اللَّهُمَّ نَفِّهْ فِي الدِّينِ

"ای خداوند ادراکش درین عطا کن -"

ادام و اطاعت

بعد از ایمان و تعظیم، تلاوت و ترتیل و تذکره و تدریس آن مجید یک حق چهارم نیز بر کزن هر مسلمان دارد که اطاعت و بکار بستن تمام اوامر آن است و معلوم است که اصل مقصود از ایمان آوردن و قرأت کردن و فهمیدن آیات قرآن تم تعمیم از آنهاست - چون قرآن مجید کتاب جاده و گری و یار خواندن و فوت کردن سحر از نیت که برای دفع بلیات فقط خواندن آن کافی باشد و نه اینکه فقط برای این نازل شده است که از تلاوت آن بکثرت ثواب حاصل کنیم و یا بپرکت آن زجران کردن و اذیت وقت نزع رکلم کنیم - بلکه قرآن کریم برای این نازل شده است که آن را فقط موضوع تحقیق و تدقیق خود سازیم نه اینکه فقط برای نصیحت ذهنی خود آن را بکار گرفته جولانگاه مکره آفرینی و خیال بانی خود سازیم - بلکه بطوریکه در سطوح و نیز گفته شد قرآن مجید فقط برای هدایت و راهنمایی مردم نازل شده است و این مقصود را فقط بصورتی میتوانیم بدست بیاوریم که آنرا بتمام معنی دستور العمل زندگی خود سازیم - بهمین جهت است که تنها قرآن حکیم بلکه خود پیغمبر صلی الله علیه و سلم که برایشان این کتاب مقدس نازل شده است بر صراحت بیان فرموده اند که اگر او را قرآن مجید را بکار نزنندیم تلاوت آن و تدریس و تکرار آن هیچ سودی نبخشد بلکه بکار بستن حکم باعث تزلزل مبانی عقیدتی دینی میشود - چنانچه مستر آن کریم تقصیم خود را بطور قطعی برای ما اعلام داشته است :

وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ
 هر کس برخلاف آنچه خدا فرموده حکم کند
 چنین کس از کافران خواهد بود

(سوره مائده ۵۰ : ۴۴)

و باز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم این مطلب را توضیح فرمودند که :

نه بایاتش تراکاری جسد این نیت
 که از بسین آن آسان بیسی
 (بقول)

۱- لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُكُونَ
هُوَ أَتْبَعًا لِمَا حُتَّتْ بِهِ:

هیچکس از شما نمی تواند مؤمن باشد مگر
اینکه نفس او تابع آن دین هدایت باشد

کرم آورده ام

۲- مَا آمَنَ بِالْقُرْآنِ مَن اسْتَعْلَىٰ
مَخَافَتَهُ

"بسته آن ایمان ندارد کسی که چیزها را
قرآن آنها را محترم کرده، بر خود حلال

بداند"

(اروای ترمذی)

برای کسی که هنوز در تلاش حق سرگردان است و میخواهد بعد از مطالعه و تفسیر
قرآن دینی بدون مطالب آن نصیم بگوید که آیا کتاب بر حق است یا نه هیچ شرط را قید
نمی توان کرد ولی کسانی که معتقدند قرآن کرم کتاب آسمانی است برای آنها لازم است
که قرآن را فقط بدن نظر بخوانند که از لحاظ فکر و عمل در زندگی شان آنان را از دنیای فدا
بطرف رسنگاری عقیقی رهنمون شود و مصمم شوند که امر آن را بکار بندند هر چه هم که
دین راه لازم باشد باین پیشه و ایثار نمود بطوریکه قبل ازین هم در ضمن معانی لغوی
"تلاوت" بعضی رسانیده شد حقیقت اینست که از قرآن پاک هدایت کامل نوقط
بکسانی البت می شود که با دلگیری کامل خود را وقف مطالعات قرآن مجید بکنند. باین عزم
مضمم نیز انسان باید یک عمر رنج بکشد تا مگر نفس او تسلیم خویش و تقبل عادت کند
بطوریکه درین سخن مبارک پیغمبر صلی الله علیه و سلم بیان شده:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُكُونَ
هُوَ أَتْبَعًا لِمَا حُتَّتْ بِهِ

هیچکس از شما نمی تواند مؤمن باشد مگر
اینکه نفس او تابع آن دین هدایت باشد

کرم آورده ام

ایجاد شدن این کیفیت نفس انسانی نقطه آغاز آن هدایت نامر است که در
قرآن مضمم است. بعد با هر چه قدر رابطه او با این کتاب هدایت محکم تر میشود و انظار
بآرگاه خداوند متعال رحمت بیشتری متوجه او میگردد.

وَالَّذِينَ هُمْ يُؤْتُونَ مَا لَمْ يَرْغَبُوا مِنْهُ
وَالَّذِينَ هُمْ يُؤْتُونَ مَا لَمْ يَرْغَبُوا مِنْهُ

و آنان که هدایت یافتند خداوند بر

هُدًى وَأَتَاهُم لَقَوَاهُمْ هِدَايَتِ وَيَمَانَتَانِ مِثْلَ مَا فِيهِ وَإِدَارَتِ

تَقْوَى بَانِسَاءِ عَطَا وَفَرَايِدِ؟

(سوره محمد ۲۴: ۱۷)

یعنی اگر انسان بر قرآن دست یازد و کوشش کند بر اهنمائی آن راه عمل پیش بگیرد، حتماً بر راه مستقیم حرکت نموده تدبیراً منازل رشد و هدایت را طی نموده در مقام هدایت رهنمون خواهد شد — در زنگ تکرار آن بدون عمل بر احکام ممکن است بلای او موجب لعنت شود. بطوریکه حضرت امام غزالی در احیاء علوم الدین، اقوال بعضی از عرفا و نقل کرده اند که خیلی از قراوت کنندگان تشریح آنند که بجز لعنت چیزی نصیبتان نیست زیرا که وقتی او میخواند "وَلَعْنَتُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ" دال قرآن ۳: ۶۱ یعنی لعنت بر دروغگویان، و خدای بخورده اگر او نیز گاهی دروغ میگوید، این لعنت بخود او بر میگردد. همین طور چون یک نفر میخواند:

وَإِذَا رَأَى الْكَاذِبِينَ كَيْفَ حَاضِرٌ بَشِيرٌ
برای جنگ با خدا و رسولش؟

فَإِنَّ لَهُ لَتَعْلُوًا فَآذِنُوا

بِمَحْرَبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

(بقره ۲: ۲۷۹)

قتلی یک نفر از احکام خدا سر می بید کویا خود را باین اعلام خدا طرف میسازد. همین کونیکه کم میگذرد و کم می بیاید و غیب گوئی میکند و بدبختان طعن می زند، و قتی "ذُنُوبٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ" و "ذُنُوبٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ" (همزه م: ۱: ۱) و ای بر کم فروشان و دای بر هر نخوش گری و عیب جوئی زاری خواند، کویا خود را مورد بشارت عذاب دردناک قرار میدهد.

برین آیات قیاس باید کرد که بدون اطاعت، از تکرار کلام مجید چه بدست آدم

میرسد.

می ماند که سبک در باره قرآن تحقیق و تدقیق و غور و فکر و تصنیف و تالیف می برد از ندولی خود آنطوریکه باید و شاید از تمجیل احکام و او امر آن غفلت میوزند انجام کار آنها خیلی دشیم بنظمی رسد و تمام بزرگوارها و کادشهای شان نه تنها یک لذت ذهنی

است بلکه "تَلْعَبُ بِالْقُرْآنِ" یعنی بمصداق بازی بازی باش با با هم بازی حکم لهو و لعب با قرآن را دارد و نتیجه بهره ای که از قرآن بر میسر آید ضلالت و گمراهی است نه هدایت:

يُضِلُّ بِهٖ كَثِيْرًا وَّ
يَهْدِيْ بِهٖ كَثِيْرًا
توسط این کتاب خدای متعال خیلی
گمراه می کند و بسیاری را هدایت

می بخشد (سوره بقره آیت ۱۷)

و کسانی که گمراه شده اند برای سلسله خدا هم روز قیامت نوبیاد میکنند و آنها را بطرف ضلالت و جهالت میکشاند چون همه فکرشان بمصداق آیه زیر همیشه مشغول فتنه انگیزی است:

فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ
الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ
پس ردی کنند آنچه را متشابه است
اذان برای فتنه جوئی و از پی تاویل آن

(سوره آل عمران ۷:۳)

به همین جهت است که صحابه کرام رضی الله عنهم جمعین که ذوق خاصی از تدبر قرآن با آنها اعطاء شده بود، سالیان دراز در باره یک سوره تسبیح بگویند و فخر می پردازند علت اصلی آن که پس از اسباب دیگر جامی مانند این بود که فقط بعلم قرآن اکتفا میکنند بلکه در همین حال تا آنچه که مقدم و بود سعی میکنند آن آیات را در زندگیهای خود بکار ببرند و تا آن وقت که اطمینان پیدا نمی کردند آنچه خواندیم و یاد گرفتیم بکار بسته شد در راه علم قدم فراتر نمیگذاشتند.

شما شاید تعجب کنید وستی بدانید که بزود صحابه کرام رضی الله عنهم جمعین منظور از حفظ تسبیح و یا قسمتی از آن این نبود که فقط آنرا از کتبیم بلکه علم و فهمیم آن را نیز شامل بود و نیز اینکه توفیق اطاعت از او امر آن هم از بارگاه خداوند ایزدانی شونده بدین ترتیب قرآن؛ فکر و عمل شان تسلط کامل پیدا کند.

منتهای حفظ قرآن نزدشان این بود که قرآن بر شخصیت یک نوظهوری نافذ

شود که نوره دایت آن برگه دینی او سرایت کند و در نتیجه آن کلمات قرآن بزبان
شان و علم قرآن در مغز شان و تعلیمات قرآن در اخلاق و عادات و سیرت و کردار
شان خط شود.

قول حکیمانه ای از معتمد امت ام المومنین حضرت عایشه بنت ابی بکر
رضی الله تعالی عنهما که در جواب این سوال که ما را چه خبر ده از اخلاق آنحضرت صلی الله
علیه وسلم گویا صورت تکمیلی این امر حفظ قرآن است. ایشان فرمودند: کان خلقه القرآن
یعنی اخلاق و سیرت آنحضرت نمونه کاملی از تعلیمات قرآن بوده و آنحضرت گویا قرآن
مجسم بودند، فداه ابی دمی.

۱- رک: بر روایت زیر از "الاقنانه فی العلوم القرآن" بنقل "مبادی تدبر قرآن"
از مولانا امین حسن اصلاحی:

و قد قال ابو عبد الرحمن	"ابو عبد الرحمن سلمی میگوید بیان کرده
السلمی حدثنا الذین كانوا	برای من که سلیقه قرآن را یاد می گرفتند
يقرون القرآن كعثمان بن عفان	و یاد میدادند مثل حضرت عثمان بن عفان
وعبد الله ابن مسعود و	و عبد الله بن مسعود و غیر هم که عادت
ضيرها انهم اذا كانوا تعلموا	شرفه شان این بود که اگر در آیه قرآن
من النبي صلى الله عليه و	از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم یاد می
سلم عشر آيات لم يتجاوزوا	گرفتند تا آنوقت که او امر در آن آیات
حتى يعلموا ما فيها من العلم	را بکار نمی بستند و آنهارد خود خدب
والعمل و لو تعلمنا القرآن	نمی کردند آیات بیشتری را یاد نمی گرفتند
والعمل جميعاً و لهذا كانوا	می گفتند که ما علم و عمل مستند آن هر دو را
يقونون مائة في حفظ السورة	با هم یاد گرفتند. اینست که در یاد گرفتن
و حفظ کردن سوره ای از مستند آن مدت های عمده ای وقت صرف می کردند	

از قرآن فقط بصورتی میتوانیم درست استفاده کنیم که هر چه قدر علم و فهم آن
 میسر گردد در اعمال و افعال و عادات و اطوار و کردار آدم تا شایسته عمیق داشته باشد و علم او با عمل او
 توأم گردد و آهسته آهسته علم قرآن مجید در اخلاق آدم سرایت کند و الا خطر این را دارد که بحدی
 این ارشاد مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که " الْقُرْآنُ حَجَّتُكَ اَوْ عَلَيْنِكَ " (تو آن
 حجتی خواهی بود در حق شما یا بر علیه شما)،
 علم فهم قرآن حجت قاطعی بر علیه آدم خواهد بود و موجب افزونی برپاداش و عقوبت
 او خواهد بود.

درینجا توضیح این امر لازم بنظر میرسد که عمل باقرآن دو جنبه دارد. یکی انفرادیت
 و دومی جماعتی. احکامی از قرآن که مربوط به زندگی شخصی آدم است و او فوراً میتواند آنها
 را بکار ببندد و جنبه انفرادی عمل بر آن است و فرد فرد ملت مکلف است بلافاصله
 بعد از مطلع شدن آنها را بکار ببندد و در باره آنها هیچ تاخیر و توفیق اصلاً داده اجازت نیست
 تقصیر و کوتاهی در اطاعت و تمیل این قبیل احکام آن جرم عظیمی است که بزرگترین پاداش
 آن بصورت سلب توفیق بانسان میرسد و تفاوتی که در قول و فعل و علم و عمل این قبیل کتمان
 ایجاد میشود، مطابق این آیه لیه لَقَوْلُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ " مخبر به نفاق میشود. این همان
 حقیقتی است که درین قول مبارک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بیان شده است
 اَكْثَرُ مَنْ فَحِقَ اَمْتِي قَرَأَهَا " عده زیادی از منافقین امت من
 (مسند احمد) قرایان قرآن اند.

بنابرین تنها راه عافیت که داریم اینست که هر چه قدر از علم قرآن را فرا بگیریم و تا آنجا که

۱- یعنی ای آنانکه ایمان آورید، چرا گویند آنچه را میکنند

۲- باید عرض شود که در اینجا مراد از "قرا" فقط کسانی نیستند که قرآن را با هفت اصول قرائت
 باطن خاصی میخوانند بلکه علمائی را نیز شامل اند که قرآن را یاد گرفته اند و دیگران یاد میدهند
 ولی آنچه را که در آن مندرج است بکار نمی بندند.

مقدور باشد کوشش کنیم هر چه زود تر بکار بسته شود
 البته قسم دوم از احکام قرآن که مربوط به کارهای اجتماعی است و
 بدست یک نفر نیست، در باره چنین امور معلوم است که فردا اگر چه بطور شخصی مسئول و مؤلف
 نیست ولی باز هم تا آنجا که امکان داشته باشد باید سعی کند که اوضاع عوض شود و خطی ایجاد شود
 تا در آن بتوانیم بطور کلی احکام قرآن را عملی سازیم و هم بتوانیم نفر خود را پیش میگیریم و برادریم. درین صورت
 کوشش و سعی بیکطرفه حکم "معدنه الی ربکم" بلکه راداشته باشد و قبیل شمیل اجتماعی
 احکام و او امر شمار می آید. دلی اگر آدم، ازین قبیل سعی انفرادی هم دست بکشد و فکر خود را فقط بزند
 نگاه داشتن خود به پرورش زن و بچه های خود محدود کند و دران صورت نیز، سخت این خطر وجود
 دارد که بصدق این آیه قرآن *أَفَتُوْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكُتُبِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِهَا* باز هم مقصر شمرده
 شود در حالیکه بعضی از احکام قرآن را که برای اشخاص و انفرادی باشند، بکار بسته
 است.

۱. سوره اعراف: ۴۰. هفتم میگفتند گروهی از ایشان که چرا پند می دهید قومی را که خدای
 متعال آنها را نابود خواهد کرد چهار حداب در دناک خواهد ساخت، گفتند تا شاید پوزش ما به با نگاه
 پروردگار قبول افتد و شاید آنها هم از خدا بترسند و پشیمان شوند
 ۲. سوره بقره: ۷: ۸۵. آیا ایمانی آید به بعضی از آیات کتاب و کفری در زید به بعضی از قسمت
 های آن. بعد ازین کلمات تشبیهی و تهدیدی که در قرآن آمده قسمتی از این خوانیم آدم از
 سر تا پا میلرزد ولی اسباب تأسف است که مادرست همان روش را پیش گرفته ایم و مستحق
 آن تهدید شده ایم. قرآن می گوید:
 پس کیفر آن که از شما این روش نافرمان برداری را پیش میگیرد، جز این چه
 میتواند باشد که در زندگانی دنیا، با خواری و ذلت روبرو شود و در روز قیامت بعد از
 دردناک چهار شود:

آنچه مربوط به رسوائی دنیا است، اوضاع فعلی مسلمانان جهان، نمونه خوبی از آنست
 (باقی در صفحه بعد)

بطوریکه برای فهم قرآن 'اصطلاح' تذکره در خود قرآن مجید بکار رفته،
 بهمین صورت برای اطاعت از احکام قرآن 'اصطلاحی' که از همه جامع تر و کثیرالاشغال
 است 'حکم بما أنزل الله' میباشد.

دوباره "حکم" اصول اساسی که در قرآن تعیین شده "إِنَّا الْحَكَمُ بِاللَّهِ"
 و یوسف ۱۲: ۴۰، ۶۴، انعام ۶: ۵۷، ۶۷ یعنی هیچکس جز خدای متعال حق حکم را ندارد
 باز خدای متعال کلام خود (قرآن مجید) را نیز "حکم" گفته است:
 وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا لَهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا "یعنی همچنین نازل کردیم آنرا بطوریکه
 بزبان عربی" (مهد ۱۳: ۳۰)

در قرآن کریم فریضه اصلی نبی اکرم صلی الله علیه و سلم را نیز بسیار نامیده اند، بدین

در کتب مذکور از روی نگاه کنیم دعوت آن هم هیچ کوتاهی نکرده ایم ولی اگر خدای بزرگ
 و بسیار بخودش آن عذاب را نفرستد، کرم خاص او دست بمصداق آیه قرآن :-
 إِنَّ لَعَذَابَهُمْ فَإِنَّهُمْ هَبَاءٌ وَإِنْ تَعَفَّرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (مائده، ۵: ۱۱۸) (اگر
 عذابشان کنی ایشان بندگان تو اند ولی اگر بیا مزی شان همانا توئی بزرگتر من و دانا)
 — الله اکبر، ارشاد مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم، چند رجال ما صادق می آید:

ان الله يفرح بهذا الكتب اقواما وليضع
 خدای متعال بعضی از ملت را بدین کتاب
 به اخفون - ۱
 مستطاب بر طبع خواهد بر آخت ولی بعضی
 عمل دیگر را رسوا خواهد کرد

(اسلم)

بقول حضرت علامه اقبال:

دو زمانه میں مسرت تھے مسلمان ہو کر!
 اور ہمسہم خوار ہوئے تارک قرآن ہو کر
 آہنہا یعنی صحابہ کرام عزت و شرف دہشتند کہ تمام معنی مسلمان بودند۔ ولی ما خوار شدیم چون احکام
 قرآن را اطاعت نمی کنیم.

کلمات:

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 لِنَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ
 اللَّهُ (نساء: ۴: ۱۰۵)

دو همانا فرستادیم بسوی شما کتاب را بحق تا
 قضاوت کنی میان مردم بدانچه خدا شما
 را نشانده (نشانده)

در سوره ماده چند بار بطور قطعی فرموده است که آنها سیکه طبق کتاب الله
 حکم (کار) کنند آنها کار و ظالم و فاسق اند (آیه ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷)
 اگر گوشش کنیم مفهوم حکم را در یک کلمه بیان کنیم آن کلمه فقط "تصمیم" میتواند
 باشد. ولی برای درک حقیقتش لازم است در نظر داشته باشیم که در انسان دو چیز
 از اهمیت ویژه ای برخوردار است یکی فکر انسان و دومی عملش. حکم اصطلاحی
 است جامع که در آن واحد هم فکر را در بر میگیرد و هم عمل را. و مخصوصاً برای مدارابطه
 آن را که بین این دو وجود دارد آشکار میسازد

چون دستی نظری در سبب آدم طوری راسخ شد که حکم عقیده او را پسند کرد،
 در آن صورت است که عملش تابع آن نظر میشود.

برای مشخص ساختن این حقیقت، قرآن حکیم اصطلاح "حکم بما انزل الله"
 را بکار برده است تا کاملاً روشن شود که احکام قرآن را فقط در صورتی میتوان باسانی
 بکار بست که فکر و نظر آدم بکلی تابع قرآن شود و علم حقیقت که قرآن بر بشر تعلیم داده
 بر دل و ذهن هم کس نقش بندد

برای اطاعت از احکام کتب آسمانی اصطلاح دومی که در قرآن بکار رفته
 "اتامت" است بطوریکه درباره یهود و نصاری فرموده است:

وَلَوْ أَنَّهُمْ آتَمُوا أَوَّلَ التَّوْرَةِ
 وَالْإِنْجِيلِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ
 رَبِّهِمْ لَأَكْبَرُوا مِنْ تَوْبِهِمْ
 وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ه
 (نجمه: ۵: ۴۷)

و اگر بپای مبدا شدند تورات و انجیل
 و آنچه را که فرستاده شده است بطرف
 شان از پروردگارشان همانا نمخوژند
 از بالای سر و از زیر پاهای خود

دوری بعد از آن خدای بزرگ تصمیم خود درباره آنها را اعلام فرمود:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُهَيِّمُوا الشُّرَاةَ ۖ وَالْأَنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ (سوره مائده آیت ۶۸)

(بگو ای اهل کتاب بیهوشی و راهمی نیستید یعنی اطاعت کننده هیچ کتابی نیستید مگر اینکه بپای دارید تورات و انجیل و آنچه را که فرود آمد بر شما از طرف پروردگار شما)

حکم به انزال الله " اغلب مربوط به فکر و عمل افراد بطور جداگانه است در حالیکه مراد " اقامت ما انزل من الله تشکیل یک نظام عدل و انصاف در جاهی است تمام افراد و اشخاص آن در سطح که باشند از عدل و انصاف بهره مند شوند و بعد از اجرا شدن آن نظام و یا سیستم هیچ امکان این باقی نمی ماند که کسی از آن جامعه دیگران را بدف ظلم و خصومت بسازد و یا علیه دولت آن وقت باغی و طاغی باشد و در پای هجوم و فشار سیاسی و انتفاع اقتصادی، همه بسته خواهد شد. همین جهت است که خودختی و کامرانی را آیه ۶۶ از سوره مائده که در فوق تذکره دادیم بیان نموده اند.

در تشکیل و اجرای چنین نظامی که در آن عدل و انصاف باشد با کمال اختصار و جمال در سوره حدید نیز فرموده " بدین کلمات:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

"همانا فرستادیم پیغمبران را با نشانهای
و معجزات ابرهن و فرستادیم با ایشان
کتاب و ترازو را تا بسختی رعایت کنند

انصافدا:

(سوره حدید ۵۴: ۷۵)

ولی در سوره شوری طوری با صراحت این مطلب را بیان نموده اند که رابطه بین حکم الهی و اقامت دین و ایمان با کتاب و اجرای یک نظام عدل اجتماعی یکی روشن میشود و در رکوع دوم این سوره " بالترتیب و تدریج حکیمانانه " این موضوع را توضیح داده اند چنانکه قبل از همه همان اصول اساسی بیان شده که در فوق بیان کردیم یعنی اختیار

حکم و تصمیم فقط با خداست بطوریکه درین آیه ارشاد فرموده اند:
 وَ اَخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ
 وَ حَكَمْنَا إِلَى اللَّهِ
 باز در آیه سیزدهم این سوره توضیح داده شد که چطور "حکم الهی" بصورت
 دین و شریعت در آمده است:

سَدَّ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَضَعِي
 بِهِ نُوْحًا وَ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ
 وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيْمَ وَ مُوسٰى وَ عِيسٰى
 اَنْ تَقِيْمُوْا الدِّيْنَ وَ لَا تَتَفَوَّتُوْا
 فِيْهِ (شوری ۲۲: ۱۳)

آئین نهاد برای شما از کیش آنچه حکم
 داد بدان نوح را و وحی فرستادیم
 بطرف شما و آنچه توصیه کردیم بدان ابراهیم
 موسی و عیسی را که بپای دارید دین را و
 بباره آن از هم اختلاف نکنید

پس در آیه پانزدهم این سوره خطاب به تمییز صلی الله علیه و سلم میفرماید:
 فَلِذٰلِكَ فَاذْعُ وَ اسْتَقْبِلْ كَمَا اَمَرْتَا
 وَ لَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ اٰمَنْتُ
 بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ وَ
 اَمَرْتُ لِاَعْمَلُ بِنِعْمَتِهِ
 (شوری ۲۲: ۱۵)

پس بسوی این بخوان و پایداری کن چنانکه
 چنانکه امر شدی و پیروی سخن بهسپای
 ایشان را و گو که ایمان آورده ام بدانچه
 فرستاده خدا از کتاب و ما امر شدیم
 که دادگری کنیم میان شما

و در آخر این بحث، بکلمات جامع و بلیغ فرموده اند:
 اللّٰهُ الَّذِي اَنْزَلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ
 وَ الْبَيِّنٰتِ طَوْعًا يَدِيْكَ لَعَلَّ
 السَّاعَةَ قَرِيْبًا (شوری ۲۲: ۱۷)

خداست که نازل کرده کتاب بحق
 و تراز و را در تو چون دانی شاید قیامت
 نزدیک باشد

مثل آیات سوره حدید درین آیت سوره شوری نیز کلمه "میزان" را بالفعل
 کتاب با هم داشته اند که در شرح آن مولانا شبیر احمد عثمانی، سخنی جامع فرموده اند
 "خداوند متعال چند نوع تراز و را برای بشر فرستاده است. یکی ترازوی مادی

است که در آن اجسام و چیزهای مادی دیگر میزان میکنند. دومی ترازوی طمی است که بدان عقل سلیم میگویند و سومی ترازوی اخلاقی است که "صفت عمل و انصاف" نام دارد ولی از همه بهتر و بزرگتر ترازوی دین حق است که در باره حقوق الله و حقوق العباد اطلاعات درست و دقیقی بدست ما میدهد و دین ترازوی بر سخن عیان و نهان و بلند و کوتاه و دقیقاً میزان میشود. نذرهای نیادند.

قرآن مجید "بغیاً بینهم" را اصل سبب اختلاف و افتراق و تشتت و انتشار بین مردم قرار میدهد، چنانکه در رکوع دوم سوره شوری نیز آیه "و لا تفرقوا فیہ" فرموده اند و بعد از آن در آیه چهارم آن سبب اختلاف و افتراق را گفته و بیان فرموده اند:

وَمَا لَكُمْ فِرْقَانًا الْاٰمِنُ بَعْدَ مَا
جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ
(در پرگنده نشند مگو پس از آنچه
بیاوردشان دانش، بستم بران
خویش)

بعد از آمدن دین حق و نازل شدن کتاب و راجح شدن قانون میزان، تمام راه های خلفانی و طغیان و دیگر مسدود میشود. نه کسی از کشیشان و راهبان میتواند دست از کار بکشد و خود را "اٰذِنًا بَيْنَ يَدَيْ دُنِّ اللّٰهِ" نامیده و بیکار نشیند و نه ثروت کشور و ستونش گردش میان تو انحراف میتواند باشد و نه هیچ جبر و استبداد سیاسی باقی میماند بلکه تمام مردم خود را بنده گان خدا و برادر یکدیگر میدانند و اولوالامر یعنی شخص اول آنها موظف است دستش بگردن هر قومی و سرش بخدمت هر ضعیف تسلیم باشد و نگذارد هیچکس از زور مندان حق هیچ ضعیف را غصب کند. نظریه "اِحْتِمَاتٌ مَا نُنزِلُ اللّٰهُ" تشکیل و تأمین یک آئین عادلانه و منصفانه و وظیفه اساسی و مهم همه

له اشاره بر آیه ۳ از سوره توبه است که در آنجا درباره این قبیل مردم سخن رفته
ع اشاره بر آیه ۷ از سوره حشر (۷: ۵۹) است.

کس از پادشاهان و امرای و دولتمای دنیا است و باید در نظر داشته باشند که درباره آن روزی سؤال خواهند شد.

به همین جهت است که در سوره شوری بعد از آنگاه سخن که ممکن است قیامت خیلی نزدیک باشد فرموده اند که باید هر چه زودتر بگردانید و حقن حقوق قرآن و میزان باشید مباد روز و ماه و سال پس از سال در اعمال بگذرد و آدم برداخت حقوق را همین طور بنامیر و تعویق بیندازد ولی ساعت حساب و آنگاه بخت و یکدفعه در حسابی چشم نمودار شود و دین کتاب الله و میزان را فقط بصورتی میتوانیم ادا کنیم که نظیر: «لِقَوْلِ النَّاسِ بِالْقَسْرِ» و «وَأَمْرٌ أَهْوَىٰ بَيْنَكُمْ» آن آئین عدل اجتماعی عملاً اجرا کنیم که بصورت دین مبین و شریعت محمدی بما اعطاء شده است.

میتوان سوال کرد که برای ادا کردن دین کتاب الله چه راهی را پیش بگیریم که بمنزل عمل برساند.

گرچه این سخن مستقیماً مربوط به موضوع مختصرانی امروز من نیست ولی لازم بنظر میرسد اگر اشاره شود که سعی و کوشش برای اقامت دین و اجرای نظام عدل قرآنی را با نهضت های سیاسی و اصلاحی دیگر برابر نهادن نه فقط بسیار زیان بار است بلکه ممکن است منجر به گمراهی و هلاکت نیز بشود.

دستی نواسته باشیم بکنفرانسی که عوض شود و دستار اسلامی را بپوشیم و آنگاه میگویند پیش بگیریم اینست که اول قرآن در قلب و ذهنش جاگیرد و تا آن نقطه فکر و نظر بلکه احساسات و عواطف او متعقد بان شده او امر قرآن را عملاً و علناً بکار بندد به همین منوال بنظر اینکه در یک جامعه ملتقی انقلابی بپاشد باید اول قلوب و اذان مردم روشن فکر و دین دانش دوست و انور قرآن نور ساخت و دستی صاحبان علم و مذهب یک جامعه در یک مرکز قوی اساس ایمان و یقین جمع شدند در انصورت است که نور ایمان و بصیرت دینی حتماً بر عام مردم سرایت خواهد کرد که آنان حکم اعضاء و جوارح در بدن جامعه را دارند و بدین ترتیب تدریجاً جامعه تماماً از نور ایمان پر نور خواهد شد و در آن جا

تمام احکام و احكام دين مسين با نظام عدل اجتماعي خود همه جا و در سطح جاري در پيا
 خواهد شد. — و غير از اين پنج راهي براي برپايي دين را نداريم. اگر کسي فکر کند که مملتی
 از مملات اسلامي دنيا را بر بنساي محبت و عقيدتي که با اسلام دارند اميخته بکنهضت
 ياسي بايد تشکيل داد و آن نهضت در رأس کار آمده ميتواند نظام قرآن را ترويج
 دهد. خيالي خام بيشتر نيست و حکم " اوهن البيوت لبیت العنکبوت " (عکبوت
 ۲۹: ۲۱) را دارد. — بهر صورت اين یک جمله معتزله بود و ولي حقيقي که اکنون ميخواهيم
 بيان کنيم اينست که بعمل آوردن احکام است. آن مجيد يعني " حکم بما انزل الله " و
 " اقامت ما انزل من الله " حقیقی است که بگردن تمام مسلمانان است چه از لحاظ انفرادی
 و چه از لحاظ اجتماعي و بر ما واجب است که هم بطور شخصي و هم بطور اجتماعي بنگرد
 ادا کردن اين حق قرآن باشيم

تبليغ و تبیین

علاوه بر ايمان آوردن و خواندن و درک کردن و بعمل آوردن قرآن مجيد
 حقیقی ديگر نيز بگردن هر مسلمان دارد که طبق استعداد و صلاحيت بخود ادا امر و نواهي و مفاهيم
 آن را تا آنچه که مقدر در باشد بدگيرد هم برساند.
 براي رساندن اصطلاح جامعی که در قرآن آمده " تبليغ " است و اين " تبليغ "
 جنبه های مختلفی دارد و مدارج و مراتب مختلف چنانکه تعليم نيز قسمتی از تبليغ است
 و تبیین هم یک قسمتی ديگر از آن و پايه اش بلند تر از تعليم است.
 قرآن کریم مقصود نزول خود را بدین کلمات بيان میکند.
 لهذا بلغ للناس و اینست گوی برای مردم و تا ترساند

لَيَسْئَلُنَّ عَنكَ
شوند بدان

در قرآن بیان شده که بچه منظور این کتاب بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده:

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ هَٰذَا الْقُرْآنِ
لَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ مَن بَلَغَ
توحی شده است بطرف من این
قرآن تا برسانم بدان شمارا در هر

دربرسد (انعام ۴: ۱۹)

علاوه بر این مطلب را نیز خیلی واضح و صریح بیان نموده که قرآن را بدون اینکه چیزی از او کم کند و یا مطلبی بدان بیفزاید و ابلاغ آن ب مردم وظیفه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است که اگر کوچکترین تقصیری در این مورد بکار رود مثل این خواهد بود که در وظیفه نبوت و رسالت تقصیر رفته باشد چنانکه در سوره مائده آیه ۱۰۱ آمده است -

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
مِن رَّبِّكَ ۖ وَلَوْ كُنتَ لَمْ تَفْعَلْ لَمَّا
بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ
ای پیغمبر ابلاغ کن آنچه را
فرود آمد بر تو از پروردگارت و اگر نخواستی
گویا رسانده باشی پیام او را

(سوره مائده ۵: ۴۷)

از راستی که بمقام پیغمبری رسیدند تا آخرین ساعت زندگی خود بیست و سه سال کامل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم همیشه برای انجام دادن وظیفه خود چه رنج های را که نمیکشیدند و چه ظلم های از ناحیه کفار که متحمل نمیشدند و درین مدت کار و عوت ایشان چندین مرحله را طی نموده است و در عرض این مدت آنحضرت گرفتاریهای

۲۱۱ باید در نظر داشت که برای یک جامعه ای که فاسد شده باشد اثر رساندن
(لقد عذاب الہی) مرحله اول تبلیغ است

گوناگونی داشتند ولی اگر با دقت نظر سیرت مبارک آنحضرت را مطالعه کنیم معلوم میشود که در طول تمام این مدت مرکز اساسی حبه و جهد ایشان فقط قرآن مجید بود و آنحضرت متوالیاً در تلاوت و تبلیغ و تبیین و تعلیم قرآن مشغول بوده اند چنانکه در خود قرآن پاک (بانگ تفسیر) در چهار جا در باره طریقه دعوت و تبلیغ و نحوه کار اصلاح و انقلاب سخن رفته بدین کلمات :

(تا بخواند برایشان آیت های ترا و پاک سازد ایشان را و بسا آموزد شان کتاب و حکمت را)	تَدْعُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (بقره ۲: ۱۲۹، ۱۵۱، آل عمران ۳: ۱۶۴)
---	--

جمعه ۲: ۶۲) معلوم است که معنی این آیات همان است که قبلاً در ضمن طریقه مخصوص بر ساختن انقلاب اسلامی بیان کرده ام — بهر صورت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در طول مدت بیست و سه سال همیشه این طریق خاص را بکار برده حق تبلیغ قرآن مجید را کاملاً ادا فرموده و امانت خداوند کار را به بندگان او بطوریکه شاید و باید رسانیدند. دوران آن جد و جهدی که برای ادای این فریضه می فرمودند توسط این امر شریف که اکیداً به جان نشان خود داده از همکاری و یاری آنان نیز بهره مند بودند :

يٰۤاٰتِيَةُ الْعَبْدِ ذِكْرُ آيَةٍ
در سائید از طرف من گرچه فقط یک
یادتان باشد

در روزی که کارشان تکمیل رسید و فریضه شان تمام و کمال ادا شد - در زمانهای

له ازال حضرت قدسی صفات ، مثال حضرت مصعب بن عمیر بی نهایت ایمان افزه است که توسط تعلیم و تبلیغ قرآن انقلابی در مدینه منوره بپا ساختند تا حدی که این شهر شرف دار الهیوت بودن را پیدا کرد - خداوند متعال توفیق پروردی ایشان به کس از زانی دارد.

آینده وظیفه تبلیغ قرآن را تماماً و صرفاً بعهده امت خود گذاشته است و حال دیگر
مسئولیت تبلیغ قرآن با فرد فرد امت است چنانکه در خطاب حججه الوداع صحابه
گرام خود را که عده شان بیش از صد بیت و پنجاه بوده، بر این امر گواهی دادند که آیا من
حق تبلیغ قرآن را دارم؟ برای تمام زمانهای آینده فرمان دادند که:

فَيُبَلِّغُ الشَّاهِدُ
وَكَمَا يَكُونُ لَكَ مَا جَاءَ مِنْ
مَوْطِنٍ أَوْ بَرٍّ أَوْ نَهْرٍ

لیکه امروز اینجا نشد

و بدین ترتیب بار فریضه تبلیغ قرآن، تا روز قیامت بعهده امت
محمد صلی الله علیه و سلم گذاشته شده و امت بطور کلی بمنزله خدای تعالی مسئول اینکار
است و معلوم است که امت مشتمل بر افراد است بنابراین فرد فرد امت طبق
استعداد و صلاحیت خود، مسئول این وظیفه است. علماء و دانشمندان طبق
صلاحیت و اطلاعات خود و عامه مردم طبق صلاحیت خود

بهر صورت ازین کلمات مبداً حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم (يُبَلِّغُوا
عَلَيْكُمْ ذِكْرَ آيَةِ) با ثبات میرسد که هیچکس از امت ازین مسئولیت برانگیز نیست لیکن
ناظر میتواند قرأت کند دیگران را قرأت با فراه یاد دهد. کسیکه حافظ آیت او دیگران
را در حفظ کردن یاری دهد کسیکه میتواند آنرا بزبانی ترجمه کند دیگران ترجمه معنی آن یاد
دهد. کسیکه تا حدی فهم آن دارد تا همان اندازه دیگران برساند حتی اگر کسی فقط یک آیه
یادش باشد او همان یک آیه را بدیگران یاد دهد و یا اگر کسی فقط مفهوم یک آیه یا سوره را
دانسته باشد اگر او همان مفهوم را بدیگران برساند اینها همه تبلیغ قرآن بشمار خواهد رفت.
چرا که این وظیفه مقدس و عظیم که بطور کلی بعهده امت مسلمه است فقط بصورتی ادا میشود
که تمام آیات قرآن را با مفهوم و معنی آن، به گوشه و کنج جهان برسانیم.

در وضع حاضر ایگاری خیلی مشکل بلکه مثل خواب خوشی بنظر می آید چون حقیقت امتی
که مسئولیت ابلاغ قرآن، بتمام ملل دنیا بعهده آن گذاشته شده بود امروز نیارند

آنست که قرآن بدان رسانیده و یاد داده شود. بنابراین امروز خیلی لازم است که خود امت مسلمه همه جاه تعلیم و تعلم قرآن را در دج دهد و همه کس از مسلمانان بسواد گرفتن و یاد دادن قرآن مشغول شوند. آرزو دارم که خداوند توفیق اینکار را به همه ما عطا فرماید. آمین -

بطوریکه قبلاً بعض رسیده تعلیم هم قسمتی از تبلیغ است و عالی ترین وجه تبلیغ آنست که در قرآن حکیم تبیین نامیده شد. یعنی فقط ابلاغ قرآن کافی نیست بلکه باید آیات آنرا کاملاً توضیح داد و برای توضیح دادن بطوریکه ضمن "تدبر قرآن" نیز تلاش کردم باید با سطح فکری مردم نزدیک شده سخن گفت و با گوشش و کاوش هر چه متراثر نور هدایت قرآن را پیش چشمان مردم باید کاملاً روشن ساخت و نیز آنکه مدلولات و مقصودات آیات و سوره بار باید کاملاً شرح داد -

قرآن حکیم خود را با کلمه "بیان" نیز تعبیر کرده است:

هَذَا لِنَاثَانِ لِلنَّاسِ وَهُدًى
وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ه

این بیانی است برای مردم و
راه سخنانی داند از برای پرهیزگاران

(آل عمران ۲: ۱۳۸)

خیلی جاها خود را با صفت "مبین" و آیات خود را با صفت "بیانات" و "بیانات" ذکر نموده است. این را هم روشن ساخته است که تبیین و توضیح کتاب الهی وظیفه انبیاء کرام علیهم السلام است و نیز تعبیر امت را که برای آنها یک صحیفه آسمانی نازل شده بطوریکه خداوند بزرگ خطاب به پیغمبر صلی الله علیه و سلم میفرماید:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ الْبَيِّنَاتِ
لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ

و او فرستادیم بسوی تو نامه را تا
بیان کنی پیش مردم آنچه را فرستاده

شده است برون ایشان

(نحل ۱۶: ۱۲۴)

دو باره اهل کتاب نیز گفته شود که از آنها پیمان و قول گرفتیم که کتاب الله را پیش دیگران بیان نکنند:

وَأَذِخْذِ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ
 أَذَوْا الْكِتَابَ لِيُبَيِّنَهُ لِلنَّاسِ
 (سوره آل عمران آیت ۴: ۱۸۴)

همگامیکه گرفت خدا میمان از آنانکه
 داده شد اند کتاب را تا بیان کنندش
 (برای مردم)

ولی چون وظیفه خود را انجام ندادند بلکه بعکس مرتکب کتمان حقیقت شدند
 مورد لعنت خداوندی قرار گرفتند:

إِنَّ الَّذِينَ يُكْفِرُونَ مَا
 أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى
 مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي
 الْكِتَابِ أَذِلَّةٌ يَلْعَنَهُمُ اللَّهُ
 وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ ۝

(همانا آنانکه کتمان می کنند آنچه
 را فرستادیم از نشانیها و راهنمایی
 پس از آنکه بیانش کردم برای مردم
 کتاب را آنان را لعن کند خدا و لعن
 کنند لعن کنندگان)

(القره ۱۵۹: ۲)

خدا قفل این تبیین اینست که برای هر ملت معنی شد آن مجید را بزبان
 آسان و تکلیفی آن ملت توضیح داده شود چون قرآن مجید را نسبت به زبانها
 دیگر فقط در زبان خود یک ملت میتوان بهتر بیان کرد چنانکه فرموده اند:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا
 بِلِسَانٍ تَوْحِيدٍ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ
 (توم خود تا بیان کند برای آن
 توم)

(ابراهمیم ۱۴: ۴)

آخرین مرحله اینکار (تبلیغ و تبیین) اینست که نکات علمی و لطائف حکمی
 و آنچه از او امر و نواهی در آیات قرآن مضمراست مشروحاً بیان کرده شود نحوه استدلال
 قرآن کابلا شرح داده شود و از دلایل و برهین قرآن استناد جسمه افکار و
 نظرات گمراه کننده را باید رد کرد و بر عالی ترین سطح علمی استدلال نمود و محتانیت
 قرآن حکم و تعلیمات آن کتاب مقدس را باید مبرهن ساخت بطریق اوجماع
 مترقی و متجدد و امروز که علم و صنعت باوج کمال خود رسیده است، کمترین پایه تبلیغ

و تبیین قرآن اینست که آنرا در تمام زبانهای مهم دنیا با شرح و تفسیر مختصری ترجمه کنیم و آن ترجمه را باره برگزیده و گنار جهان منتشر سازیم. البته ارفع ترین سطح تبلیغ و تبیین قرآن بطوریکه در ضمن آن تدبیر قرآن گفته شده است که در نقاط مختلف عالم اسلام مؤسسات و دانشگاههای تأسیس شود که مقصود اساسی و منظور اصلی آنها تدبیر و تفکر و تحقیق و تدقیق درباره قرآن حکیم باشد و توسط این مؤسسات تحقیقی و تبلیغی بدایتی را که بشر از قرآن مجید میتواند بگیرد توضیح داده شود.

خوانندگان محترم! اینست حقوق قرآن مجید که بنظم از حیث مسلمان بودن همه ما مکلفیم بیکر اجرا کردن آنها باشیم. ما آن ملت خوش نصیبیم که نزد ما کلام پاک خدای متعال بمن و من محفوظ و موجود است و این امر از یک لحاظ اسباب افتخار ماست و از طرف دیگر یک مسؤلیت بزرگی هم بعهده ما می آید. قبل از ما بنی اسرائیل حامل کتاب الهی بودند ولی چون از عهده این منصب عظیم بر نیامدند و باثبات رسیدند که آنها کتاب این اعزاز و افتخار را ندارند استی دیگر بوجود آورده شد و کتابی مثل قرآن مجید با آنها اعطا شد. در سوره جمعه برای کسانی که حامل کتاب الهی باشند ولی از پرداخت حقوق آن غفلت ورزند، مثل زده اند

مثل آنانکه نازل شده بر آنها
توراه سپس بر نداشتند آنرا ،
مانند خراست که حمل کند کتاب

مَثَلُ الَّذِينَ هُمِلُوا التَّوْرَةَ
ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ
الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا

(جمعه ۶۶: ۱۵)

دوری بعد از آن باز توضیح دادند که این روششان گویا مردی بگذشت که زیادت
قرآنی است:

در چه مثل بدی است آن گرده که گدازد
کردند آیت های خدا را .

بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

و نیز این سنت الله را هم بیان فرمودند

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظّٰلِمِينَ (محمد ۴۲: ۵)

(خدا راه راست نمی نماید آن قوم را
که ستمگری کنند)

پناه میجویم از خدا که بنده را و یا کسی از شما خوانندگان را در آن کسینکه
ذکرشان در فوق رفت، حساب نکند و مسلت دارم که خدای بزرگ ما را توفیق دهد
بتمام معنی حامل مستد آن باشیم. درین آیات سوره فرقان شده موده اند:

وَقَالَ الرَّسُوْلُ يٰرَبِّ اِنِّیْ قُوْمِیْ
اَتَّخَذُوْا هٰذَا الْقُرْاٰنَ مَهْجُوْمًا
(گفت پیغمبر پروردگار ما همانا قوم من
برگرفتند این قرآن را راکب شده)

(فرقان ۲۵: ۳۰)

گرچه حقیقه تذکره آن کفار است که نزدشان قرآن مجید هلاکتی
قابل التفات نیست ولی کسایکه بر قرآن ایمان دارند آنها هم اگر التفاتی به احکام قرآن
نکنند و با اعمال خود ثابت نکنند که بقرآن ایمان دارند حتماً جزو کسانی میباشند که
باین صیغه ایمان ندارند چنانکه مولانا شبیر احمد عثمانی مینویسند:

گرچه در آیه مبارکه فقط در باره کفار مذکور است ولی قرآن را تا شاید کردن
تدبر کردن احکام از ابکار زیستن و تلاوت کردن و توجیه به قرائت بدست
آن نکردن و نیزه اوضاع از قرآن و توجیه به مخرجات دیگر همه اینها از میتوان
انحراف و اعراض از قرآن نامید.

۱ - حسن اتفاق و یا میتوان این کلمات مولانا را بحسب رسول محمول کرد چون کلمات
حدیثی که بنقل حضرت عبیده ملکی بمباریده خلی نزدیک باین مفهوم است حضرت
پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند:

یا اهل القرآن لا تتوسدوا القرآن
والتلوا حق تلاوة انا ید اللیل
والتجار و الفسوخ و الفسوخ و قد بدوا

(ای اهل قرآن! قرآن را فقط مستکای
خود نازید بلکه در روز و شب صنعتی
جسته از آن بخوانید بطوریکه حق خواندن

بار و کبریا نگاه خدای دانا و توانا سپناه میجویم و آرزو دارم ما هم جزو کسانی باشیم که طبق این حدیث حقوق قرآن را داده اند و میکنند و نخواستن خود را باین دعای ماثوره که اغلب بر ختم قرآن خوانده میشود، خاتمید حد بنده معتقدست که ما باید این دعا را اغلباً بخوانیم تا توفیق ادا کردن حقوق قرآن، از بارگاه ایزد متعال، بر همه ما میسر گردد:

<p>پروردگارا بپرکت قرآن عظیم ما رحم مسما و آرزو برای ما مادی و دنیوی و هدایت و رحمت ساز ای پروردگارا آنچه را ازین فراموش کرده ایم آرزو بیا یاد آور و آنچه را که نماندیم بیا یاد و توفیقی بما بخش که در روز ما شب ما از آلاءت کنیم و ای پروردگارا برود جهان این کتاب</p>	<p>اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَجْعَلْهُ لَنَا مَأْوًى وَ نُورًا وَ هُدًى و رَحْمَةً . اللَّهُمَّ ذَكِّرْنَا مِنْهُ مَا نَسِينَا وَ عَلِّمْنَا مِنْهُ مَا جَهِلْنَا أَنْزِقْنَا تِلْكَ وَتَهُ أَنَا الْبَلْبَلُ وَ الْهَرَفُ النَّهَارُ وَ اجْعَلْهُ لَنَا حِجَّةً يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ . (امین)</p>
---	--

مقدس را در حق ما و علی و بر زنی ساز - امین)

(بقیة یادتی)

ست و آرزو بهر چار سوی جهان
منتشر سازید و آرزو با خوش دلی دلخن
خوش بخوانید و در باره آن تدبیر
بفکر کنید تا فلاح یابید

فیه لعنکم تفلحون
و شعب الایمان، البیتقی، بنقل
معارف الحدیث جلد پنجم

سبحان الله چه خطاب خوبی است، کلمات این حدیث شریف چه در جامع است
که حقوق قرآن مجید بگردن مسلمانان را با کمال اختصار بیان نموده و صد ها سخنرانی عاقلان
این چند کلمه مؤثر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم و کلاما درست و راست فرموده آنحضرت
که "أودیت جوامع الکلام" یعنی کلمات جامع بمن اعطاد شده است فداه ابی دمی صلی
الله علیه و سلم -

در پایان این حبس‌نزه دعای بطور تبرک بشتری خدمت خوانندگان گرامی تقدیم
 است. در باره این دعاء، گریه نبی اکرم صلی الله علیه و سلم بصحابه خود رضی الله عنهم جمعین ارشاد
 فرمودند که برای رفع هجوم و غلوم و شکر اینها و بلا یا بخوانند ولی اگر بدقت مطالعه کنیم می
 بینیم که نه تنها توضیح عبودیت کامله در او هست بلکه این دعاء تفسیر مفصل "شَفَاءُ لِمَا فِي الصُّدُورِ"
 "نیز میباشد و در عین حال این هم بوضوح می پیوندد که خود حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و آله و سلم چه راه عمیقی دستبسی با قرآن مجید داشتند و در نظر مبارکشان
 کلام پاک چه قدر و منزلت و اهمیتی داشت. این دعاء بر وایت حضرت عبد الله بن
 مسعود^{رضی} بمارسیده و در "تسنید" و "رزین" با کمی اختلاف کلمات آمده. آن دعاء این
 است:

دعای عظیم که ماثور است

مطهره کامل عبیت کامله و تفسیر کامل "شَفَاءُ لِمَا فِي الصُّدُورِ"

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ	ای خداوند امن بنده تو ام
وَأَبْنُ عَبْدِكَ	و من زنده غلام ناچیز تو
وَأَبْنُ أُمَّتِكَ	و کنیز احقر تو میباشم
فِي تَبْضُئِكَ	بکلی در اختیار تو ام
نَاصِيئَتِي بِيَدِكَ	و پیشانم در دست ت
مَاضِيَّ فِي حُكْمِكَ	در باره من هر حکم تو معتبر است

تعمیم تو عین عدل است	عَدْلٌ فِي تَقْضَاؤِكَ
خواستارم بهر اسم مبارک تو	أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ
که ذات خود را بدان متصف	هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ
سختی و یا یکسی از مخلوق خود	نَفْسِكَ أَدْعَلَّمْتَهُ أَحَدًا
یاد دادی — و یا	مِنْ خَلْقِكَ — أَوْ
در هر کتاب خود نازل فرمودی	أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ
و یاد خسته از غیب خود محفوظ	أَوَّلْتَ تُثَرَّتْ بِهِ فِي مَكُونِ
داشتی -	الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ
بازستان خود را	تَجْعَلَ الْقُرْآنَ
بهر قلبم	رَبِيعَ تَلْبِي
و نور سینم ام	و نُورَ صَدْرِي
و ضیای غم و غصه ام	و جِلَاءَ حُزْنِي
و دور خستی از ان هر غم و هم	و ذَهَابَ هَمِّي وَ غَمِّي
من - چنین شود	أَمِينَ !
ای پروردگار پرورد جهان	يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

تقریظ

(۱)

از مولانا امین احسن اصلاحی

رساله جعفر بطوریکه از آشناس پیدا است، برادرم و دکتر اسرار احمد سلمه، برای ادای حقوقی مرقوم فرموده‌اند که بر هر مسلمان از طرف قرآن مجید واجب است - درین روز با عده کسانی که مدعی هستند برتد آن مجید ایمان کامل دارند، کم نیست ولی خیلی کم از مردم میدانند که یک نفر مومن واجد چه شرائطی باید باشد - آقای دکتر بنا به دلائل قدرانی آن شرائط را شرح داده‌اند و خواننده در تصحیح مختصری حس میکند که ایشان آن شرائط را با کمال حسن و خوبی روشن ساخته‌اند - بسبب نگارش ایشان بنی‌نهایت شیرین و شیوا و دلائل خیلی محکم و اسلوب نویسنده‌گی و خطاب از بس مؤثر و مخلصانه است - هر آن مسلمان که میخواهد رابط او با قرآن مجید درست استوار شود - رساله حاضر را سبهای خوب برایش خواهد بود - ایزد متعال برکتی و قوتی بقلمم و کلمه موصوف بدهد و امیدواریم که ایشان توفیق یابند رساله‌های متعددی ازین قبیل مرقوم فرمایند -

(۲)

بقلم آفتای پرنور یوسف سلیم چشتی!

بنظمم برادرم اسرار احمد سلمه از کرم خاص خداوند متعال بهره‌مند است که بعد از اخذ درجه لیسانس در پزشکی توجراً شرف‌شان بطرف ایشان کن ساختن این امر روحانی ملت برضای معطوف گشت و "ذالک فضل الله یؤتیه من یشاء و لکن یمکن ایشان کاملاً درست تشخیص داده‌اند - تمام مرضیهائی روحانی یک ملت بر علقی بوجود

بیاید که حکم اساس آنها را آورده آن بی اعتنائی و قطع رابطه از قرآن مجید است که میشود
آن بی اعتنا بودن را در هجر تبیح نام داد. بهمین جهت خدای بزرگ قبل از گرفت
متنبه ساخته اند، بدین کلمات :

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي
اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

او گفت پیغمبر پروردگارا همانا قوم من
برگزیدند این کتاب را ترک شده

(فرقان ۲۵، ۳۰)

آقای دکتر گویا اولین بار در باره این موضوع، بزبان اردو مطلبی نوشته اند و روشن
ساخته اند که حقوق قرآن مجید بگردن ما مسلمانان است. اغلب مسلمانان خیال
میکند که فقط حقوق زیر است آن مجید بگردن ماست :

۱- آنرا در جزو این ابریشمی پیچیده بداریم

ب- در چهار دفتر همسیم
ج- بر بالین یک نزدیک برگ است، سوره خاصی از آن قرائت کنیم تا آسان ببرد
د- دستی خواسته باشیم در دادگاه با قسم بخوریم، آنرا بر سر بگذاریم -

ه- بپوش مکرانی با ازان فال بگیریم -

ولی دکتر اسرار احمد بجای این پنج حقوق، حقوق دیگری که ملا ازینها مختلف است
بیان نموده اند - اینها را که مطالعه کردم، بی اختیار دعای برای شان، از دل من برخاسته
و بزبان آمده است -

یقین دارم که اگر مسلمانان این وسیله را که بقامت بهتر و بقیمت بهتر است
بهت مطالعه کنند، با قرآن مجید همان رابطه قلبی را استوار خواهند ساخت، انشاء الله
که منتهای ایزدی است - بانگاشتن این مقاله آقای دکتر ذخیره ای از سعادت
اخروی راجع آورده اند -





اکنون دو اقتباس از نگارشات علمای شبه قاری را در باره قرآن ملاحظه شود.
یکی از شیخ الہند حضرت مولانا محمود الحسن دیوبندی است و دیگری بقلم دانشمند شہر
مولانا ابوالکلام آزاد است ایک ترجمہ انہما:
ترجمہ اقتباس اول

"تا آنجا کہ در خلوت ہای زندان در باب ایکہ چہ ادر سر اسر دنیا مسلمانان ہم
از لحاظ دنیوی ہم از لحاظ دینی و چار تباہی شدہ اند فکر کردہ ام باین نتیجہ رسیدہ ام
کہ بد سبب مسلمانان با انحطاط و زوال مواجہ شدہ اند؛ یکی ایکہ قرآن را ترک گفتہ
اند یعنی از احکامات آن روی گردانیدہ اند و دومی ایکہ بین خودشان اختلافات
و نزاع ہا دارند۔ بنا برین من با این عزم راسخ بیرون آمدہ ام کہ بقیہ زندگی خود را وقف
این کار کنم کہ قرآن کریم را لفظاً و معنایہ عامہ مردم برسانیم۔ برای خورد سالان در ہر
قریہ و قصبہ مدرسہ ہای تاسیس شود تا در آنجا بحیثیت قرائت کردن قرآن را یاد گیرند برای
جو انان سالخوردان مکاتب عمومی و ملی باز شود تا در آنجا معانی و مفہام ہمہ مستحق قرآن
با انہا تدریس شود و با انہا ترغیب شود کہ تعلیمات قرآنی را جامعہ عمل پیوستہ اند و
دعا و نزع بین مسلمانان را بیچ وجہ تحمل نکنیم"۔

(از شیخ الہند حضرت مولانا محمود الحسن دیوبندی)

ترجمہ اقباس دوم

اگر کسی خواستہ باشد بداند کہ علت حقیقی تمام بدبختی های مسلمانان امروز چیست
و کی کند کہ فقط یک علت اصلی و اساسی را بیان کنند، باو میتوان اطلاع داد
کہ تقدیر علمای حق و مرشدین صادق و کثرت علمای منحرف و مفسدین و درجائین
— رَبَّنَا إِنَّا أَلَطْنَا سَادَتَنَا وَكُنَّا بَرَاءَ نَفَاخِضَلُوْنَا سَيِّئًا
و باز اگر سوال کند کہ در یک جملہ علایش را ہم بگوئیم، او را بکلمات امام ماکت
باید جواب داد کہ مرقوم فرمودند :

لَا يَصْلِحُ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا بِصَالِحِيهَا
در زمانهای آخر اعتقادات و اعمال امت محمدیہ بر این وجه درست نخواهد شد
مگر اینکه همان روش را پیش بگیریم کہ در اعصار اول اختیار نموده بودند و آن طریق تریز
این چه میتواند باشد کہ مرشدین صادق بوجود بیایند کہ مفاسد و معارف قرآن را تبلیغ
کنند.

(مولانا ابوالکلام آزاد مرحوم)

کلام منظوم از حکیم مشرق عسکری محمد اقبال
(در باره اسلام مسلمانان و قرآن حکیم)

بیا تش ترا گاری بسز این نیست که از یسین او آسان بمیری!

خوار از مجوری شدن شدی شکوه سنج گوش دوران شدی
ای چو شبنم بر زمین افتاده ای در بئسل داری کتاب زنده ای

بسز بقرآن صنغی رود بای است فقر قرآن مثل شاهنشاهی است
فقر قرآن اخت ملاحظه ذکر و محکو محکو را کامل ز دیدم بسز به ذکر

گر تو میخواهی مسلمان زیستن! نیست ممکن جز بقرآن زیستن
فاش گویم آنچه در دل مضمهر است این کتاب نیست چیزی دیگر است
مثل حق پنهان هم پدید است او زنده و پاینده و گویاست او
صد جهان تازه در آیات اوست عطر با سجده در آیات اوست
چون بجان در رفت جان دیگر شود جان چو دیگر شد جهان دیگر شود!
بنده مومن آیات خداست این جهان اندر بر او چون تباست
چون کهن گردد جهانی در برش می دهد قرآن جهان دیگرش

یک جهانی عصر حاضر را بس است
گیر اگر در سینه دل معنی رس است

ہیچکس نمی تواند حقیقتِ شان و عظمتِ پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم
را بیان نماید۔ مختصراً میتوانیم بگوئیم :-

”بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر“

مسئله ہم قابل ادراک این است کہ:

ایا ما بطریق صحیح و بیرو روش نبی اکرم^۴ هستیم؟
زیرا کہ

نجات ما در ہمیں راه است!

در باره این موضوع ہم تالیف مختصر ولی بغایت موثر از:

دکتر اسرار احمد، بعنوان:

بنیادہای ارتباط ما با نبی اکرم^۴

در زبان فارسی زیر چاپ است و انشاء اللہ بزودی تقدیم
علاقہ مندان میگردود کہ مطالعہ آن مفید خواهد بود۔

از انتشارات

انجمن خدام القرآن

۳۶ - کے ، ماڈل ٹاؤن - لاہور - پاکستان - تلفن : ۸۵۲۶۱۱

مرکزی انجمن خدام القرآن لاہور

کے قیام کا مقصد
نبیج ایمان — اور — سرخوشیہ لطین

قرآن حکیم

کے علم و حکمت کی

وسیع پیمانے — اور — اعلیٰ علمی سطح

پر تشہیر و اشاعت ہے

تاکر امت کے فہم عناصر میں تجدید ایمان کی ایک عمومی تحریک پراہو جائے

اور اس طرح

اسلام کی نشاۃ ثانیہ — اور — غلبہ دین حق کے دور ثانی

کی راہ ہموار ہو کے

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ